



Explaining the Course of Development of Shiite and Sunni Exegetes' Views Regarding the Verse "Allah bears witness..."

Minā Shamkhi * | Saeed Rahimian ** | Ali Reza Khonsha ***

Received: 2022/4/7 | Correction: 2022/7/16 | Accepted: 2022/9/2 | Published: 2022/12/21

Abstract

The exegesis of the verses of the Quran throughout history has undergone changes and evolution. One of these verses is verse 18 of Aale Imran known as "Shahidallah" (Allah bears witness...). The testimony of God, the angels, and the Resolute ('ulul 'azm) Messengers to the Oneness of God has been expressed in this verse. Regarding what form truly the testimony of God takes and the views of Shiite and Sunni exegetes about that are questions that need to be researched.

This paper examines and analyzes the exegetic views by utilizing library resources, Islamic science databases, and software through a content analysis method. The results show that the development of views regarding the testimony starts from the verbal, continues with action, and ends with essence. Similarly, an analysis of the results shows that because all three types of views are linear, thus, all three kinds of testimony, that is, verbal, action, and concrete can be correct in this verse. The following are among the factors that affect the emergence of exegetic views: exegetic inclinations and tendencies, the dominant discourse of every age, the prevalence of conflict among Shiite and Sunni exegetes, the Mongol and Ilkhanid attacks, the critiques of the orientalist, the Islamic Awakening Movement, and the fusion of philosophical and mystical discussions. Similarly, among the effects and functions of this verse, we can point out the citation, theological, social and educative, and teaching and guidance functions.



Keywords: Quran, exegetic views, Shahidallah (Allah bears witness...), historical course, cause, function.

* Department of Quran and Hadith, Faculty of Theology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran (corresponding author). | m.shamkhi@scu.ac.ir

** Department of Islamic Philosophy and Wisdom, Faculty of Theology, Shiraz University, Shiraz, Iran. | sd.rahimian@gmail.com

*** Department of Quran and Hadith, Faculty of Theology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran. | akhonsha@yahoo.com

Shamkhi, M; Rahimian, S; Khonsha, A.R. (2022) Explaining the Course of Development of Shiite and Sunni Exegetes' Views Regarding the Verse "Allah bears witness...". *Comparative Interpretation Research*, 8 (16) 225-259. Doi: 10.22091/PTT.2023.7958.2082.



تبیین سیر تطور آرای مفسران فریقین درباره آیه "شهدالله"

مینا شمخانی* | سعید رحیمیان** | علیرضا خنشا***

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۸ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۰۴/۲۵ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۱ | تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۹/۳۰

چکیده

تفسیر آیات قرآن در طول تاریخ، دچار تغییر و تحولاتی شده است. یکی از این آیات، آیه هجده آل عمران معروف به «شهدالله» است. شهادت خداوند، ملائکه و اولوالعلم به توحید در این آیه بیان شده است. این که به راستی نحوه شهادت حق تعالی به چه صورت است و دیدگاه مفسران فریقین درباره آن چگونه است، سؤالاتی است که نیاز به پژوهش دارد.

در این پژوهش، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، پایگاه‌ها و نرم‌افزارهای علوم اسلامی، به روش تحلیل محتوا، به تجزیه و تحلیل آراء تفسیری پرداخته شده است. نتایج نشان می‌دهد سیر آرا درباره نحوه شهادت، از قولی شروع شده، با فعلی ادامه دارد و به ذاتی ختم می‌گردد. نیز تحلیل نتایج بیان می‌کند، چون هر سه نوع دیدگاه در طول هم هستند، بنابراین هر سه نوع شهادت قولی، فعلی و عینی در این آیه می‌تواند صحیح باشد. گرایش و تمایلات تفسیری، گفتمان غالب هر عصر، شیوع جدال بین مفسران فریقین، حمله مغول و ایلخانان، نقدهای شرق شناسان و نهضت بیداری اسلامی و ادغام مباحث فلسفی و عرفانی، از عوامل مؤثر بر بروز آراء تفسیری است. همچنین از آثار و کارکردهای این آیه می‌توان به کارکردهای استنادی، کلامی، اجتماعی و تربیتی، آموزشی و هدایتی اشاره نمود.

واژگان کلیدی: قرآن، آراء تفسیری، شهدالله، سیر تاریخی، سبب، کارکرد.



* دانشیار گروه قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول) | m.shamkhi@scu.ac.ir

** استاد گروه فلسفه و حکمت اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران | Sd.rahimian@gmail.com

*** دانشجوی دکتری گروه قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران. | akhonsa@yahoo.com

□ شمخانی، مینا؛ رحیمیان، سعید؛ خنشا، علیرضا. (۱۴۰۱). تبیین سیر تطور آرای مفسران فریقین درباره آیه "شهدالله"،

پژوهش‌های تفسیر تطبیقی. ۸ (۱۶)، ۲۲۵-۲۵۹. Doi: 10.22091/PTT.2023.7958.2082

طرح مسأله

این آیه شریفه، گواهی و شهادت خداوند، ملائکه و اولوالعلم را به توحید بیان نموده است. در صدر آیه، درباره نحوه شهادت حق تعالی بین دانشمندان مسلمان اختلاف نظر دیده می‌شود. مفسران، متکلمان، فلاسفه و عرفای اسلامی، هر یک به نحوی به تبیین آن پرداخته و دیدگاه‌های مختلفی بیان نموده‌اند. به‌راستی نحوه شهادت حق تعالی به چه صورت است و مراد و اثر آن چگونه است؟ مفسران فریقین بسته به گرایش خود چگونه آن را معنا نموده‌اند و مراد و مصداق اولوالعلم چه کسانی هستند؟

نظر به این که اصل توحید، زیربنای اصلی ادیان الهی است، آگاهی از تحول و تطور تفسیر این آیات، به درک بهتر و عمیق‌تر فهم آیات کمک شایانی می‌کند و با تقویت خدا‌باوری و خدا‌محوری، راه هدایت و تربیت الهی، روشن‌تر می‌گردد. از آنجا که تاکنون کار خاصی درباره سیر تاریخی تغییر و تحول آراء تفسیری درباره این آیه کریمه صورت نگرفته است، انجام دادن این طرح می‌تواند اهمیت داشته باشد. در این پژوهش، به بررسی آرا و دیدگاه‌های مختلف مفسران درباره نحوه شهادت خداوند متعال در آیه *شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْغَرِيْبُ الْحَكِيمُ* و همچنین درباره تعیین مصداق اولوالعلم پرداخته شده است.

پیشینه پژوهش

آثار زیادی مانند تفسیر موضوعی توحید در قرآن از علامه جوادی آملی، رسائل توحیدی از علامه طباطبایی، توحید از شهید مطهری و... درباره توحید و خداشناسی وجود دارد، اما تاکنون به‌طور خاص هیچ کتابی درباره سیر تطور تفسیر آیات توحیدی، نگاشته نشده است. از کارهای انجام‌یافته درباره آیات توحیدی می‌توان به «روش‌شناسی تفسیر آیات توحیدی، باتأکید بر احادیث امام رضا (ع)»، از احمد آقایی زاده ترابی اشاره نمود که در این پایان‌نامه به روش‌شناسی تفسیر و فهم آیات توحیدی، با اتکا به روایات امام علی بن موسی الرضا (ع) پرداخته شده است و طی آن انواع مبانی، قاعده، روش‌ها و منابع تفسیری، به

کار گرفته شده توسط امام (ع) شناسایی شده است؛ برای مثال، به هفتاد روش کاربردی در تفسیر آیات مانند «اعتماد امام (ع) به عقل نظری، رفتار فطری و سیره عملی عقلا» اشاره شده است.

از کارهای جدید درباره این آیه می‌توان از پایان‌نامه اسعد احمد سالم الغانم به نام «پژوهشی در ماده شاهد و مترادفات آن در قرآن کریم (رویکردی لغوی و معناشناختی)» نام برد. نویسنده در این اثر، به رویکرد لغوی و معناشناختی ماده «شاهد و مترادفات» آن پرداخته و درباره سیر تاریخی تغییر و تطور آراء مفسران صحبتی نکرده است. همچنین از پایان‌نامه‌های مربوط به سیر تطور آیات می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: «سیر تطور آرای تفسیری در آیات ناظر بر آینده بشریت» از احمد جعفری؛ «بررسی تطور تفسیر آیات علمی با رویکرد تحلیل گفتمان (مطالعه موردی آیات کیهان‌شناسی و زمین‌شناسی)» از هدی تیزابی مشهدی؛ «بررسی سیر تحول و علل شکل‌گیری دیدگاه‌های مختلف مفسران در آیات مربوط به ذوالقرنین» از زینب آزاد و «سیر تطور تاریخی تفسیر آیات مربوط به پدیده‌های طبیعی جوی» از محمود قاسم‌زاده. در این پایان‌نامه‌ها نیز درباره موضوعات خاصی مانند آینده‌نگری، حجاب، پدیده‌های طبیعی یا کیهان‌شناسی و... بررسی شده و درباره آیات توحیدی تحقیقی صورت نگرفته است. تفاوت و نوآوری این طرح، در موضوع پژوهش است که کاملاً متفاوت با کارهای صورت گرفته است. در این تحقیق، به تحلیل و بررسی سیر تاریخی تحول و تطور آرای تفسیری بر روی آیه «شهادالله» پرداخته می‌شود.

بررسی لغوی

شاهد: شاهد و شهود به معنای حضور همراه با مشاهده است - چه مشاهده چشمی و چه از روی بصیرت (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ج ۱، ص ۴۶۵). در آیات زیر آمده: *فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ*؛ «پس هر کس از شما این ماه را درک کند (حاضر باشد)، باید آن را روزه بدارد» (بقره: ۱۸۵) و *وَلْيَشْهَدْ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ*؛ «و باید دسته‌ای از مؤمنان حاضر باشند و مجازات آن دو را مشاهده کنند» (نور: ۲).

شهادت نیز که از شهد مشتق می‌شود و به معنای حضور و دیدن است، گاهی به معنای «خبر قاطع» می‌آید؛ مانند *وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَتَمَ شَهَادَةَ عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ*؛ «و کیست ستم کارتر از آن کس که شهادت و خبر قاطعی از خدا را در نزد خویش پوشیده دارد؟» (بقره: ۱۴۰) و گاهی به معنای «آشکار» می‌آید مانند *عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ الْكَبِيرِ الْمُتَعَالِ*؛ «دانای نهران و آشکار و بزرگ و بلندمرتبه است» (رعد: ۹) و نیز به معنای ادای شهادت هم آمده است؛ مانند *يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ*؛ «در روزی که زبان و دست‌ها و پاهایشان، بر ضد آنان برای آنچه انجام می‌دادند، شهادت می‌دهند» (نور: ۲۴) و *ذَلِكَ أَذُنِي أُنْ يَأْتُوا بِالشَّهَادَةِ عَلَىٰ وَجْهِي*؛ «این برای آن است که شهادت را به صورت درست ادا کنند» و *فَيَقْسِمَانِ بِاللَّهِ لَشَهَادَتُنَا أَحَقُّ مِنْ شَهَادَتَيْهِمَا*؛ «پس به خدا سوگند یاد می‌کنند که گواهی و شهادت ما قطعاً از گواهی آن دو درست‌تر است» (مائده: ۱۰۷-۱۰۸). هم‌چنین به معنای علم، اقرار و حکم کردن نیز می‌آید که همه از ریشه‌های حضور و دیدن هستند؛ مانند *فَشَهَادَةُ أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ*؛ «هر یک از آن‌ها، چهار بار اقرار و به خدا سوگند یاد کند» (نور: ۶) یا *شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ بِالْكَفْرِ*؛ «درحالی که به کفر خویش حکم و شهادت می‌دهند» (توبه: ۱۷) یا *وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِّنْ أَهْلِهَا*؛ «و شاهدی از خانواده آن زن، شهادت داد» (یوسف: ۲۶). هم‌چنین جست‌وجو در آیات نشان می‌دهد که شهود جمع شاهد، به معنای حاضر و اشهاد جمع شاهد، به معنای شهادت دهنده است؛ مانند *وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ*؛ «و روزی که گواهان و شاهدان برپای می‌ایستند» (غافر: ۵۱).

برخی از لغویان نیز «شهادت» را به معنای خبر قاطع (فیروزآبادی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۴۲۳) یا آشکارا دیدن چیزی (فیومی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱، ص ۳۲۴) می‌دانند. هم‌چنین لفظ شهادت در اذان و اقامه (أشهد أن لا إله إلا الله وأشهد أن محمداً عبده ورسوله) نیز از باب تَفَعُّلٌ از شهادت است (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۳، ص ۲۳۹). شهادت در اصل، به سخن گفتن از روی علم و آگاهی گفته می‌شود که از مشاهده و بصیرت یا دیدن با حواس و چشم حاصل شده است (راغب، ۱۴۱۲ ق، ج ۲، ص ۳۵۱). هم‌چنین کسی که در راه خدا کشته می‌شود شهید نامیده می‌شود؛ چون او نزد پروردگارش زنده و حاضر است یا خدا و ملائکه، بهشت را

برای او گواهی می‌دهند یا این که او ملکوت خدای عزوجل و ملکش را می‌بیند (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ ق، ج ۳، ص ۳۸۸). به محضر و مکان حضور نیز مشهّد می‌گویند (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق، ج ۳، ص ۳۹۸). البته اصل آن در معنای حضور، آگاهی و اعلام نمودن نیز آمده و در لفظ شهادت در اذان هر سه مورد دیده می‌شود (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق، ج ۳، ص ۲۲۱). برخی لغت‌شناسان، اصل ماده آن را در امور قابل لمس، علم از طریق مشاهده و معاینه معلوم و در امور عقلی، از طریق حضور نزد عالم می‌دانند و بیان می‌کنند که شهود دارای مراتبی است؛ مثل مشاهده با چشم، گوش، زبان و عقل. همچنین شهود نفس نسبت به خود و صفاتش که این مشاهده از مراتب قبلی، قوی‌تر است و شهود خداوند نسبت به ذات و اوصافش از این گونه است (مصطفوی، ۱۴۳۰ ق، ج ۶، ص ۱۵۷)؛ بنابراین در ماده شهود، معنای علم قطعی از روی مشاهده، حضور، اعلام یا کشف، مأخوذ است. شایان ذکر است معنای اصطلاحی آن هم به‌طور کلی مشابه و نشأت گرفته از معنای لغوی است که در ادامه بررسی می‌گردد.

توصیف تطور آرا در گذر تاریخ

این مطالعه نشان می‌دهد، تطور دیدگاه‌ها درباره نحوه شهادت در این آیه شریفه، از سده‌های نخست تاکنون به سه صورت بیان شده است:

الف) شهادت قولی

این دیدگاه همواره از سده‌های نخست تاکنون مطرح بوده و مفسران همواره به‌عنوان یکی از اقوال به آن استناد کرده‌اند. در این دیدگاه معمولاً خداوند به وحدانیت و احدیت و صمدیت خویش شهادت می‌دهد و ملائکه و اولو العلم نیز آن را تصدیق می‌کنند و به آن گواهی می‌دهند. (زید بن علی، ۱۴۱۲ ق، ج ۱، ص ۱۰۸؛ بلخی، ۱۴۲۳ ق، ج ۱، ص ۲۶۷؛ فراء، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۹۹؛ عیاشی، ۱۳۸۰ ق، ج ۱، ص ۱۶۵؛ فرات کوفی، ۱۴۱۰ ق، ج ۱، ص ۷۷؛ طبری، ۱۴۱۲ ق، ج ۳، ص ۱۳۹؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ ق، ج ۲، ص ۶۱۷؛ سلمی، ۱۳۶۹ ش، ج ۱، ص ۲۴؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ ق، ج ۴، ص ۲۲۵؛ جرجانی، ۱۴۳۰ ق، ج ۱، ص ۳۸۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۳، ص ۱۱۵)

ب) شهادت فعلی

از قرن پنجم این گونه آراء که ناشی از رویکرد غالب اجتهادی در این دوران بوده، شهادت را «فعلی» و ناشی از افعال حق تعالی می‌دانند و معتقدند: خداوند از راه شگفتی‌های آفرینش و ابتکارات حکیمانه خود از عجایب خلقتش و حکمت‌های لطیف موجود در آن، بر یکتایی خود خبر می‌دهد (طوسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۱۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۳۴۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۲، ص ۷۱۷؛ ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۴۱۰ ق، ج ۱، ص ۸۶؛ ابن ادریس حلی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۱۷). این دیدگاه همواره از قرن پنجم تاکنون در بین مفسران بیان گردیده و بیش‌ترین آرا را به خود اختصاص داده است.

ج) شهادت ذاتی

گونه سوم آرا، از قرن سوم متداول شد و بیش‌تر در مفسران با گرایش عرفانی دیده می‌شود. این مفسران معتقدند که حقیقت توحید، اقرار به شهادت ذاتی حق تعالی به نفس خود بر یگانگی خویش قبل از ایجاد جهان آفرینش است (تستری، ۱۴۲۳ ق، ج ۱، ص ۴۷)؛ یعنی به «شهادت ذاتی» خداوند معتقدند و در شرح آن می‌نویسند: «شهادت حق برای حق، به این که او حق ازلی است و اولین کسی که شهادت داد خود الله بود و از وجود احدی و هستی صمدی و قیام قیومی و ذات دائمی و جلال سرمدی و زیبایی و جمال ابدی خود خبر رساند» (قشیری، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۲۶؛ میدی، ۱۳۷۱ ش، ج ۲، ص ۵۰-۵۱). این دیدگاه را ابن عربی، مفسر عارف مشهور سده میانی گسترش داد و در سده‌های بعدی و معاصر نیز مفسران با گرایش بطنی و عرفانی مطرح کردند که شرح آن‌ها در ادامه می‌آید.

شرح سیر تطور آرا در گذر تاریخ

سیر تطور آراء مفسران در گذر زمان، همراه مهم‌ترین دیدگاه‌های آن‌ها به‌قرار ذیل است:

مفسران سده نخست (سده اول و دوم)، معمولاً به‌طور ساده به بیان معانی واژه‌ها، گاهی همراه با شأن نزول می‌پرداختند. در این سده‌ها، مباحث فلسفی و کلامی وارد تفسیر نشده بود و بیش‌تر نقل قول صحابه را بیان می‌کردند. مهم‌ترین آراء تفسیری این دوره، از «شهادت

قولی» خداوند خبر می‌دهد. (زید بن علی، ۱۴۱۲ ق، ج ۱، ص ۱۰۸؛ مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ ق، ج ۱، ص ۲۶۷)

از قرن سوم هجری، نگارش تفسیر به سمت نقل روایات گرایش یافت و شیعه و سنی کتاب‌های مهمی در این زمینه نگاشتند؛ یعنی در واقع هم‌زمانی با عصر تدوین حدیث، باعث شکل‌گیری تفسیر با رویکرد روایی گردید (معرفت، ۱۳۸۸ ش، ج ۲، ص ۹-۱۱؛ شمخی، ۱۳۹۶ ش، ص ۳۷). از طرفی شروع تفاسیر بطنی یا اشاره‌ای (عرفانی) نیز از این سده بود. هم‌چنین تفاسیر اجتهادی ادبی مانند معانی القرآن فراء (م ۲۰۷) و مجاز القرآن ابو عبیده (م ۲۱۰) به این دوره تعلق دارند؛ بنابراین سه گونه آرا در این دوره مشاهده می‌شود:

الف) دیدگاه مأثور: دیدگاه روایی و نقلی که شهادت را «قولی» دانسته، می‌نویسند: «خداوند تبارک و تعالی شهادت می‌دهد به وسیله این آیه برای نفس خودش که یگانه هست و این چنین است خداوند در واقع، همان‌گونه که فرموده است». (عیاشی، ۱۳۸۰ ق، ج ۱، ص ۱۶۵؛ فرات کوفی، ۱۴۱۰ ق، ج ۱، ص ۷۷؛ طبری، ۱۴۱۲ ق، ج ۳، ص ۱۳۹؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ ق، ج ۲، ص ۶۱۷)

ب) دیدگاه عرفانی یا رمزی: در این دیدگاه، آرا به صورت بطنی و رمزی بیان شده، مانند «همانا حقیقت توحید اقرار به شهادت ذاتی حق تعالی به نفس خود بر یگانگی خویش قبل از ایجاد جهان آفرینش است» (تستری، ۱۴۲۳ ق، ج ۱، ص ۴۷)؛ یعنی شهادت در آیه را «ذاتی» معرفی می‌نماید.

ج) دیدگاه اجتهادی: دیدگاه سوم به صورت اجتهادی- ادبی بیان شده، مثلاً «شهدالله» را گواهی دادن خداوند (فراء، بی‌تا، ج ۱، ص ۹۹) یا حکم نمودن حق تعالی (ابو عبیده، ۱۳۸۱ ق، ج ۱، ص ۸۹) تعریف کرده‌اند. هم‌چنین برخی، آن را شهادت فعلی خداوند از تفکر در نظام آفرینش، یا شهادت ذاتی حق تعالی هنگامی که غیر از ذاتش چیزی وجود نداشت، آورده‌اند. (ماتریدی، ۱۴۲۶ ق، ج ۲، ص ۳۳۰؛ دینوری، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۰۱) در تاریخ تفسیر قرآن، قرن پنجم را آغاز تفسیر با رویکرد اجتهادی می‌دانند (شمخی، ۱۳۹۶ ش، ص ۳۹) و تفاسیر مهمی با این رویکرد به رشته تحریر درآمده است؛

از جمله: کشف زمخشری، تبیان شیخ طوسی و مجمع البیان طبرسی. مطالعه آراء تفسیری دانشمندان این دوره نشان می‌دهد، چهار گونه دیدگاه مطرح است:

۱. نقل قول دیدگاه گذشتگان: در این دسته، مفسران به ذکر اخبار و اقوال گذشتگان

در سبب نزول و معنای «شهادالله» پرداخته‌اند و یک یا چند معنا را از قبیل «حکم کردن»، «بیان نمودن»، «گواهی دادن» و «اعلام کردن» را ذکر کرده‌اند. (ابن عطیه، ۱۴۲۲ ق، ج ۱، ص ۴۱۲؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲ ق، ج ۱، ص ۲۶۶؛ بغوی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۲۰؛ ابی الحسن نیشابوری، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۸۴؛ حموش قیسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۹۷۴؛ واحدی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۲۰؛ ماوردی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۷۹؛ سمعانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۲۲؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ ق، ج ۳، ص ۳۱)

۲. شهادت قولی: دسته دیگر شهادت در آیه را «شهادت قولی» می‌دانند و می‌نویسند:

«خداوند به وحدانیت و احدیت و صمدیت خویش شهادت می‌دهد و ملائکه و اولوالعلم نیز آن را تصدیق می‌کنند و به آن شهادت می‌دهند». (سلمی، ۱۳۶۹ ش، ج ۱، ص ۲۴؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ ق، ج ۴، ص ۲۲۵؛ جرجانی، ۱۴۳۰ ق، ج ۱، ص ۳۸۴)

۳. شهادت ذاتی: گونه سوم آراء، متعلق به مفسران عارف است که به «شهادت ذاتی»

خداوند معتقدند و می‌گویند: «شهادت حق برای حق، به این که او حق ازلی است و اولین کسی که شهادت داد خود الله بود و از وجود احدی و هستی صمدی و قیام قیومی و ذات دائمی و جلال سرمدی و زیبایی و جمال ابدی خود خبر رساند». (قشیری، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۲۶؛ میدی، ۱۳۷۱ ش، ج ۲، ص ۵۰-۵۱)

۴. شهادت فعلی: گونه چهارم که ناشی از رویکرد غالب اجتهادی در این دوران و

بیش‌ترین آراء تفسیری این دوره را شامل می‌شود، شهادت را «فعلی» و ناشی از افعال حق تعالی می‌دانند و معتقدند: «خداوند از راه شگفتی‌های آفرینش و ابتکارات حکیمانه خود، از عجایب خلقتش و حکمت‌های لطیف موجود در آن، بر یکتایی خود خبر می‌دهد». (طوسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۱۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۳۴۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۲، ص ۷۱۷؛ ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۴۱۰ ق، ج ۱، ص ۸۶؛ ابن ادریس حلی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۱۷)

بررسی آراء مفسران سده هفتم تا دهم

در این سده‌ها، در پی حمله مغول و تیموریان از یک طرف و جنگ‌های صلیبی از طرف دیگر (جعفریان، ۱۳۸۹ ش، ص ۴۸)، تفسیر مانند سایر علوم اسلامی دچار رکود نسبی گردید و از طرفی زمینه برای گوشه‌نشینی فراهم شد که موجب رونق تفسیر باطنی یا رمزی گردید (ایازی، ۱۳۷۹ ش، ص ۸۵). با روی کار آمدن خاندان صفوی و تغییر اوضاع، تفسیر نیز رونق دوباره گرفت و به رویکرد فقهی متمایل گردید (ذهبی، ۱۳۹۶ ق، ج ۲، ص ۴۶۵؛ آقابزرگ تهرانی، بی‌تا، ج ۴، ص ۲۶۴؛ امین، ۱۴۰۳ ق، ج ۳، ص ۱۰) و با تثبیت و قدرت گرفتن شاهان صفوی از جمله شاه طهماسب و شاه عباس، مکتب فلسفی اصفهان شکل گرفت و بزرگانی چون: شیخ بهایی (صاحب تفسیر العروه الوثقی) و میرداماد (صاحب تفسیر سدره المنتهی) و ملاصدرا (صاحب تفسیر القرآن الکریم)، به گسترش علوم مختلف اسلامی از جمله تفاسیر با صبغه فلسفی و عقلی پرداختند (پارسا، ۱۳۹۲ ش، ص ۱۷۰-۱۹۰). چهار گونه آراء تفسیری در این دوران دیده می‌شود:

الف) شهادت قولی: دسته اول مفسرانی مانند عبدالرحمان ثعالبی (مفسر، محدث و فقیه مالکی قرن نهم) که شهادت را «قولی» می‌داند و می‌نویسد: «در آیه *شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ...*، معنای شَهِدَ اللَّهُ یعنی خداوند این شهادت حق را به بندگان خود اطلاع می‌دهد و نیز به معنای آگاه کردن، حکم کردن، قضاوت و بیان نمودن نیز آمده است» (ثعالبی، ۱۴۱۸ ق، ج ۲ ص ۲۱). مفسران دیگری نیز در این دسته قرار می‌گیرند. (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ ق، ج ۲، ص ۲۰؛ ابن جزئی غرناطی، ۱۴۱۶ ق، ج ۱، ص ۱۴۷؛ نسفی، ۱۴۱۹ ق، ج ۱، ص ۲۲۶؛ طوفی، ۱۴۲۶ ق، ص ۱۲۲؛ کاشفی، بی‌تا، ص ۱۰۸؛ ابوالیمین علیمی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۲۸؛ انصاری، ۱۴۰۳ ق، ج ۱، ص ۵۱)

ب) شهادت فعلی: مفسرانی چون فخر رازی، متکلم و مفسر اشعری مذهب قرن ششم و هفتم (م. ۶۰۶ ق) (معرفت، همان، ج ۲، ص ۲۷۲) و عبدالله بیضاوی (م. ۶۸۵ م) (نرم‌افزار جامع التفاسیر القرآن)، ابوالمحاسن جرجانی، از علمای امامیه در قرن هشتم (پایگاه جامع قرآنی و دانشنامه حوزوی ویکی فقه و ویکی شیعه)، ملافتح‌الله شریف کاشانی از علمای

تفسیری قرن دهم هجری (م. ۹۸۸ م) (نرم‌افزار جامع التفاسیر القرآن) در دسته دوم هستند. آراء آنان همگی بر «شهادت فعلی» حق تعالی است و معتقدند که «خداوند با شواهد محکم و آیاتی روشن، یگانگی خود را نشان می‌دهد و بیان می‌کند و فرشتگان با اقرار و اولوالعلم با ایمان و استدلال به آن-شبه شهادت یک شاهد - شهادت می‌دهند». (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۷، ص ۱۶۸؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ ق، ج ۲، ص ۹؛ جرجانی، ۱۳۴۱ ش، ج ۲، ص ۱۷؛ ثعالبی، ۱۴۱۸ ق، ج ۲، ص ۲۱؛ کاشانی، ۱۳۳۶ ش، ج ۲، ص ۱۸۶)

ج) رویکرد عرفانی (مقام وحدت وجود): دسته سوم مفسران عارفی مانند محیی‌الدین عربی (۵۶۰-۶۳۸) هستند (معرفت، ۱۳۸۸ ش، ص ۴۱۰). او شهادت را به مباحث وحدت وجود مرتبط می‌داند و می‌نویسد: «خداوند در مرحله اول به ذات خودش در مقام جمع هستی (جمع‌الجمع)، شهادت به وحدانیت خود داد؛ زیرا در این مرحله شاهد و نه مشهودی غیر از خودش، نبود و در این مرحله شهادت اجمالی است. سپس در مرحله دوم، به مقام تفصیل بازگشت، پس بر وحدانیتش به نفسش شهادت داد، همراه با غیر خودش در این آیه شریفه که محل شهادت است. سپس در فقره *والملائیکه و اولوالعلم قائما بالتسبط* یعنی کسانی که در تفصیل مظاهر خداوند در عدل مقیم، پایدار و ساکن شده‌اند از ملائکه و اولوالعلم یعنی در کل هستی که تفصیل مظاهر وجود خداوند است، این شاهدان مقیم عدل هستند و شهادت دروغ نمی‌دهند و در صورت‌های کثرت خداوند که به وحدت می‌رسند و این کثرت‌ها در سایه وحدت هستند و خلق می‌شوند؛ به این صورت که هر ذی‌حقی بر حسب استعداد و استحقاقش، خداوند حقش را از منشأ وجود و کمالش ادا می‌کند؛ یعنی در آن صاحب حق به قدر گسترش ظرفیتش، پرتوافکنی و تجلی می‌کند». (ابن عربی، ۱۴۲۲ ق، ج ۱، ص ۹۹)

د) شهادت ذاتی یا عینی: دسته چهارم فیلسوفانی مانند ملاصدرا هستند. وی شهادت را «ذاتی یا عینی» دانسته و به اثبات یگانگی وجود حق پرداخته، می‌نویسد: «در آیه شَهْدَ اللَّهِ می‌توان بر پایه مفهومی وجود خدا، وجود او را اثبات کرد، بدون آن که نیازمند باشد که مخلوقات واسطه در اثبات پروردگار باشند» (ملاصدرا، ۱۳۸۹ ق، ج ۶، ص ۱۴ و ۲۸)؛

یعنی ایشان بر مبنای حقیقت وجود و مطابقت کامل آن با ذات باری تعالی، وجود و وحدانیت او را به اثبات می‌رساند.

(ذ) نقل اخبار گذشتگان: در این دسته، مفسران به نقل قول آرا و اخبار مفسران قبل از خود اقدام کرده‌اند و «شهدالله» را در معانی حکم کردن، بیان و اعلان نمودن، آشکار کردن و... آورده‌اند. حدود نه مفسر در این دوره این‌گونه رأی داده‌اند. (قرطبی، بی‌تا، ج ۴، ص ۴۰؛ ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۰ ق، ج ۳، ص ۵۹؛ ابن قیم جوزیه، ۱۴۱۰ ق، ص ۱۷۷؛ نظام الاعرج، ۱۴۱۶ ق، ج ۲، ص ۱۲۶؛ جرجانی، ۱۳۴۱ ش، ج ۲، ص ۱۷؛ خازن، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۲۳۳؛ قاشی، ۱۴۲۸ ق، ص ۱۴۴؛ ثلاثی، ۱۴۲۳ ق، ج ۲، ص ۱۶۰؛ بقاعی، ۱۴۲۷ ق، ج ۲، ص ۴۱)

بررسی آراء مفسران سده یازدهم و دوازدهم

در این دو قرن، با گسترش اخباریگری و حیات مجدد تفسیر روایی، تفاسیر مهمی به روش نقلی و مآثور تألیف گردید. دو گونه دیدگاه در تفاسیر این سده غالب است: دیدگاه اول، به نقل از آرای متقدم مآثور، شهادت را «قولی» می‌دانند و نقل می‌نمایند: «خداوند متعال شهادت می‌دهد به وسیله این آیه، برای نفس خودش که یگانه هست و این چنین است خداوند در واقع، همان‌گونه که فرموده است». (بحرانی، ۱۴۱۶ ق، ج ۱، ص ۶۰۴؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۳۲۳؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸ ش، ج ۳، ص ۵۵) دیدگاه دوم: مفسرانی که ضمن استفاده از روایات، هم‌چنان به استفاده از تحلیل عقلی تمایل داشتند؛ مانند ملا محسن فیض کاشانی که ایشان شاگرد ملاصدرا (پارسا، همان، ص ۲۸۲) و صاحب تفسیر روایی *الصابغی* است. این گروه از اندیشه‌وران، هم‌چنان شهادت در آیه را «شهادت فعلی» می‌دانند و معتقدند: «او با ظهور در همه چیز و خودشناسی در هر نور و پرتو و برای مردم با برپایی شواهدی که نشان‌دهنده آن باشد و فرستادن آیاتی که در مورد آن‌هاست، یگانگی خود را به مردم نشان داد». (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۳۲۲؛ شریف لاهیجی، ۱۳۷۳ ش، ج ۱، ص ۳۰۵)

بررسی آراء مفسران سده سیزدهم و چهاردهم

از قرن سیزده، شیوع مجدد تفاسیر با رویکرد اجتهادی، صورت پذیرفت و شیوه‌های مختلف تفسیری در شیعه و سنی متداول گردید و با بروز نهضت بیداری و بازگشت به قرآن به خصوص در قرن چهارده، تفاسیر اجتماعی و عرفی رونق زیادی گرفت (خرمشاهی، ۱۳۶۴ ش، ص ۹). از ویژگی‌های دیگر این دوره، ظهور گرایش قوی تفسیر قرآن به قرآن، بر پایه شیوه‌های تحلیل عقلی (عقل‌گرایی) است (نفیسی، ۱۳۷۹ ش، ص ۳۹). در این دو قرن، گونه‌شناسی آراء تفسیری حول این آیه به سه دسته متمایز می‌شوند:

الف) شهادت فعلی به سبب وجود استعاره یا مجاز: دسته اول، مفسرانی که دیدگاه آن‌ها «شهادت فعلی»، به سبب وجود استعاره یا مجاز در شهدالله است؛ مانند آلوسی، ابن عاشور و رشید رضا. توضیح این که در شهادت نسبت دادن به خداوند متعال، استعاره تصریحیه تبعیه یا خبر مجاز به علاقه لزوم، وجود دارد؛ زیرا مقصود این است که او، سبحان‌الله، از طریق اعمال خود که هیچ‌کس دیگر توانایی آن را ندارد، یگانگی او و درواقع همه کمالات او را نشان می‌دهد؛ به عبارت دیگر، خداوند سبحان این دلالت آشکار را تشبیه کرده است به شهادت شاهد در بیان آیات، سپس لفظ «مشبه‌به» را برای خود «مشبه» استعاره آورده، آنگاه استعاره از مصدر به فعل سرایت داده شده است. (آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۲، ص ۱۰۱؛ ابن عاشور، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۴؛ رشید رضا، ۱۴۱۴ ق، ج ۳، ص ۲۵۴)

ب) شهادت فعلی: این دسته از مفسران، با استدلال عقلی و از مشاهده شگفتی‌های عالم هستی، پی به شهادت فعلی خداوند در این آیه می‌برند و می‌نویسند: «خداوند با آوردن دلایل عقلی و فرو فرستادن آیات روشن و متقن در شگفتی‌های آفرینش، بر یگانگی خود شهادت می‌دهد» (مظهری، ۱۴۱۲ ق، ج ۲، ص ۲۳؛ ابن عجبیه، ۱۴۱۹ ق، ج ۱، ص ۳۳۳؛ شبیر، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۳۰۳). از دیگر مفسران این دسته، می‌توان از محمدجواد بلاغی (بلاغی، ۱۴۲۰ ق، ج ۱، ص ۲۶۵)؛ احمد مراغی (مراغی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۱۸)؛ محمدجواد مغنیه (مغنیه، ۱۴۲۴ ق، ج ۲، ص ۲۶) و سلطان محمد گنابادی (گنابادی، ۱۴۰۸ ق، ج ۱، ص ۲۵۱) نام برد.

ج) شهادت ذاتی: در این دسته، شاهد دیدگاه صافی علی‌شاه هستیم. این مفسر آیه را با رویکرد عرفانی شرح داده، شهادت ذات احدی را بر یکتایی و وحدت وجود خود می‌داند و می‌نویسد: «ذات حق باشد به ذات خود گواه که جز او نبود به یکتایی اله گشت طالع شمس وجه وحدتش در مقام جمع وحدانیتش؛ پس شهادت او به ذات خویش داد و این گواهی بیش‌تر از پیش داد بیش‌تر؛ یعنی ز رسم قبل و بعد وز قران قرب و بعد و نحس و سعد نی در آن دم شاهد و مشهود بود غیر ذاتش کو به خود موجود بود چنان خود شاهد ذات خود اوست» (صافی علی شاه، ۱۳۷۸ ش، ص ۹۸). از دیگر مفسران این قرن که به شهادت ذاتی یا عینی در این کریمه معتقد هستند می‌توان از جمال‌الدین قاسمی (قاسمی، ۱۴۱۸ ق، ج ۲، ص ۲۹۵) و عبدالقادر ملاحویش آل‌غازی (آل‌غازی ۱۳۸۲ ق، ج ۵، ص ۳۲۶) نام برد.

بررسی آراء مفسران سده پانزدهم

در قرن اخیر، تفسیر به شیوه عصری متداول شده است. در این روش، مفسر سعی دارد که مفاهیم قرآن مجید را مطابق نیاز جامعه با زبانی جدید عرضه نماید (شمخی، ۱۳۹۶ ش، ص ۴۶). تفاسیر زیادی در این سده به رشته تحریر درآمده است که برخی تا ۵۵ مورد دانسته‌اند (پایگاه جامع قرآنی quran.inoor.ir). گونه شناسی آراء تفسیری این قرن، نشان می‌دهد که حداقل چهار گونه دیدگاه (قولی، فعلی، هم قولی و هم فعلی، ذاتی یا عینی) با تقریرهای متفاوت درباره نحوه شهادت در این کریمه وجود دارد:

الف) شهادت قولی: مفسران بزرگی مانند علامه طباطبایی، شهادت را «قولی» دانسته، بیان می‌کند: «مراد از شهادت به طوری که از ظاهر آیه شریفه برمی‌آید، شهادت "قولی" است نه "عملی"؛ هرچند که شهادت عملی خدا بر یکتایی و عدالتش نیز در جای خود صحیح و حق است؛ چون عالم وجود با نظام واحدش شهادت می‌دهد بر این که معبودی واحد دارد» (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۳، ص ۱۱۵). از دیگر مفسرانی که به «شهادت قولی» خداوند در این آیه شریفه معتقدند می‌توان به این افراد اشاره کرد: عبدالله محمود شحاته (شحاته، ۱۴۲۱ ق، ج ۳، ص ۵۳۹)؛ محمد عزه دروزه (دروزه، ۱۴۲۱ ق، ج ۷، ص ۱۳۰)؛ سعید حوی (حوی، ۱۴۲۴ ق، ج ۲، ص ۷۱۶)؛ محمد محمود حجازی (حجازی، ۱۴۱۳ ق؛ ج ۱، ص ۲۱۶)؛ سید علی‌اکبر قرشی

(قرشی، ۱۳۷۷، ش، ج ۲، ص ۳۴)؛ عبدالاعلی موسوی سبزواری (موسوی سبزواری، بی تا، ج ۵، ص ۱۳۶)؛ علی نریمانی (نریمانی، بی تا، ص ۱۲۸)؛ و محمود یوسفی غروی. (یوسفی غروی، ۱۳۷۲، ش، ج ۱، ص ۶۴)

ب) شهادت فعلی: دیدگاه این دسته، بیشترین آراء تفسیری در قرن معاصر را به خود اختصاص داده است؛ بزرگانی مانند علامه فضل الله، علامه مدرسی، آیت الله مکارم شیرازی، استاد محمدعلی رضایی و آقای محسن قرائتی در شرح این کریمه می نویسند: «مقصود از گواهی و شهادت خدا همان گواهی عملی و فعلی خداست؛ یعنی جهان با نظم واحد و قوانینی که بر آن حکومت می کند، در واقع "یک واحد به هم پیوسته" است و خدا با آفرینش جهان عملاً نشان داده که آفریدگار و معبود دیگری در جهان نیست:

آفتاب آمد دلیل آفتاب گر دلالت باید از وی رُخ متاب

یا به عبارتی، خداوند با ایجاد نظام شگرف عالم هستی، گواهی می دهد که معبودی جز او نیست؛ یعنی از طریق استقرار روی دلایلی که از سیر در جهان و تفکر در آفرینش موجودات به دست می آید» (فضل الله، ۱۴۱۹، ق، ج ۵، ص ۲۷۰؛ مدرسی، ۱۴۱۹، ق، ج ۱، ص ۵۲۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ش، ج ۲، ص ۴۶۶؛ قرائتی، ۱۳۸۳، ش، ج ۲، ص ۳۱؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ش، ج ۳، ص ۵۴). از دیگر مفسرانی که به «شهادت فعلی» خداوند در این آیه شریفه معتقدند می توان این افراد را نام برد: عبدالکریم خطیب (خطیب، ۱۴۲۴، ق، ج ۲، ص ۴۱۸)؛ محمد سبزواری (سبزواری، ۱۴۱۹، ق، ص ۵۷)؛ محمد کرمی (کرمی، ۱۴۰۲، ق، ج ۲، ص ۱۹)؛ وهبه زحیلی (زحیلی، ۱۴۱۸، ق، ج ۳، ص ۱۷۸)؛ سید محمد حسینی شیرازی (حسینی شیرازی، بی تا، ج ۱، ص ۳۲۲)؛ سید محمد حسینی همدانی (حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ق، ج ۳، ص ۳۱)؛ محمد متولی شعراوی (شعراوی، بی تا، ج ۳، ص ۱۳۴۴)؛ محمد ثقفی تهرانی (ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸، ق، ج ۱، ص ۳۹۰)؛ محمدامین ارمی علوی (ارمی علوی، بی تا، ج ۴، ص ۲۲۴)؛ یعقوب جعفری (جعفری، ۱۳۷۶، ش، ج ۲، ص ۸۶) و محمد فاروق زین. (زین، ۱۴۲۵، ق، ج ۱، ص ۲۰۶)

ج) هر دو شهادت قولی و فعلی: دیدگاه این دسته از مفسران، بر این قرار گرفته که هم «شهادت قولی» در آیه وجود دارد و هم «شهادت فعلی». از مفسران این دسته می توان

از عبدالحسین طیب نام برد که در شرح آیه می‌نویسد: «و این شهادت تاره قولی است؛ چنان چه سرتاسر قرآن خداوند توحید و یگانگی خود را در مقابل مشرکین بیان فرموده، بلکه به لسان تمام انبیا در جمیع کتب سماوی این موضوع را گوشزد بندگان فرموده و تاره فعلی است که تمام مخلوقات را که بنگری این نظم و ترتیب دلالت دارد بر وحدانیت و یگانگی حق، ... بلکه مخلوقات بتمامها دلالت بر وجود حق و وحدانیت او و علم و قدرت و سایر صفات او دارد:

برگ درختان سبز در نظر هوشیار هر ورقش دفتری است معرفت کردگار». (طیب، ۱۳۷۴ ش، ج ۳، ص ۱۳۸)

از دیگر مفسرانی که با تقریرهای متفاوت، هر دو نوع شهادت را در آیه جایز می‌دانند، می‌توان به افراد ذیل اشاره نمود: محمد صادقی تهرانی (صادقی تهرانی، ۱۳۷۷ ش، ج ۱، ص ۵۲)؛ محمدعلی صابونی (صابونی، ۱۴۲۱ ق، ج ۱، ص ۲۳۳)؛ سید محمد طنطاوی (طنطاوی، ۱۹۷۷ م، ج ۲، ص ۵۴) و ابوبکر جابر جزایری. (جزایری، ۱۴۱۶ ق، ج ۱، ص ۲۹۷)

(د) شهادت ذاتی یا عینی: در این گونه آراء تفسیری، شهادت مطرح شده در این آیه کریمه را «شهادت عینی یا ذاتی» می‌دانند. از مفسران بزرگ این دسته می‌توان از آیت‌الله جوادی آملی نام برد. ایشان شهادت به معنای گزارش از مشهود را بر سه نوع می‌داند: قولی، فعلی و عینی. آنگاه در تعریف هر یک می‌فرماید:

«شهادت قولی: همان گزارش مشهود از طریق سخن گفتن است؛ مانند آیه *انک لمن المرسلین* (یس: ۳). شهادت فعلی: گزارش مشهود از راه فعل است؛ مانند کریمه *شهدین علی انفسهم بالکفر* (توبه: ۱۷). شهادت عینی: گزارش از مشهود با ذات وجود است نه گفتار یا کردار؛ مانند محشور شدن انسان در قیامت به شکل سگ که شاهد درنده‌خویی اوست». (جوادی آملی، ۱۳۸۷ ش، ج ۱، ص ۳۹۰-۳۹۳) سپس به توضیح هر یک از این اقوال در این آیه شریفه می‌پردازد و در آخر ضمن قبول شهادت قولی و فعلی، شهادت عینی را بهترین نوع آن در این آیه می‌داند و می‌نویسد:

«حصر آیه در شهادت قولی، نارواست و نیز اراده شهادت فعلی، مستلزم ارتکاب مجاز

است؛ اما با پذیرش شهادت عینی اولاً این کریمه در شهادت قولی محصور نمی‌گردد و ثانیاً بی مجاز در اسناد یا حذف و اضممار، تفسیر می‌شود. ترجیح اراده شهادت عینی در این کریمه، بدین معنا نیست که شهادت فعلی بر توحید منتفی است، بلکه شهادت آفاقی و انفسی نیز ثابتند». (همان، ص ۴۰۵ - ۴۰۶)

از دیگر مفسرانی که به این دیدگاه معتقدند می‌توان از بانو امین (امین، ۱۳۶۱، ش، ج ۳ ص ۶۶)؛ محمد غازی اعرابی (اعرابی، بی‌تا، ج ۱، ص ۶۷) و محمدعلی دره (دره، ۱۴۳۰، ق، ج ۲، ص ۳۹) نام برد.

سبب و عوامل بروز آراء تفسیری

عوامل متعددی در بروز آرای تفسیری مؤثرند که میزان تأثیرگذاری آن‌ها متفاوت و وابسته به شرایط آن دوره است. توضیح این عوامل به شرح ذیل است:

الف) گرایش و تمایلات تفسیری

در این آیه، رویکرد تفاسیر نخستین و متأثر - به علت سادگی و نقل قول - به «شهادت قولی»، مفسران متقدم مثل شیخ طوسی و... به علت رونق روش اجتهادی و مفسران میانه به دلیل رویکرد فقهی به «شهادت فعلی» و مفسران عارف مثل ابن عربی و صفی‌علیشاه به «وحدت وجود» و مفسران فیلسوف و عارف مانند علامه جوادی آملی به «شهادت عینی»، به خاطر گرایش و تمایلات مفسران است.

ب) گفتن غالب هر عصر

در سده‌های نخست، گفتن غالب، نقل قول ساده از صحابه و تابعان برای شرح آیات جهت فهمیدن مفهوم آن، برای رسیدن به بهشت رضوان الهی است و معمولاً همراه با بیان ساده آیات، به شأن نزول و فضیلت قرائت، اعراب و قرائت نیز توجه می‌شود و از بحث‌های عقلی، کلامی یا فلسفی خبری نیست؛ یعنی روش‌ها و گفتن غالب هر عصر بر بروز آراء تفسیری مؤثر است؛ مانند غلبه آراء فلسفی و عرفانی در دوران معاصر.

ج) شیوع جدال بین مفسران متکلم

با شروع قرن چهار و پنج، گرایش به روش اجتهادی و استفاده از عقل رونق گرفت و تفسیر آیات با تحلیل عقلی مبتنی بر وحی و نقل انجام شد و البته بحث‌های کلامی به علت برخورد مذاهب مختلف باهم نیز رونق یافت؛ مانند گسترش بحث‌های کلامی در *التیان* شیخ طوسی و *مفاتیح الغیب* فخر رازی.

د) حمله مغول و ایلخانان و شیوع بحث‌های فلسفی و عرفانی

با شروع سده‌های میانی، به علت حمله مغول و ایلخانان (۶۱۶-۶۵۴ ق) (بیانی، ۱۳۷۹ ش، ص ۶۲-۱۴۰) و گوشه‌نشینی، تفسیر بطنی یا رمزی گسترش یافت. تفسیر ابن عربی، نمونه بارز تفسیر عرفانی در سده هفتم است. در ایران و با روی کار آمدن سلسله صفوی، با مهاجرت علمای شیعه به ایران از جمله محقق کرکی، تفاسیر از صبغه فلسفی به رویکرد فقهی متمایل شد و با تثبیت و قوی شدن صفویه در دوران شاه طهماسب و شاه عباس، مکتب فلسفی اصفهان و شیراز رونق گرفت و بزرگانی چون: شیخ بهایی، میرداماد و ملاصدرا، پا به عرصه ظهور گذاشتند و تفسیر فلسفی قرآن را رونق دادند (پارسا، ۱۳۹۲ ش، ص ۱۷۰-۱۹۰). آنگاه با گسترش اخباری‌گری در قرن یازده و دوازده، تفاسیر نقلی و مأثور رونق دوباره یافت.

ه) نقدهای شرق شناسان و نهضت ترجمه و بیداری اسلامی

در سده‌های اخیر، به دنبال نقد و شبهات شرق شناسان، نهضت بیداری اسلامی و بازگشت دوباره به قرآن (معارف و شفیع، ۱۳۹۴ ش، ص ۶)، به جهت نیاز جامعه برای حل مشکلات اجتماعی و تربیتی، گرایش به تفاسیر اجتماعی رونق گرفت و انواع این تفاسیر چه در شیعه و چه در اهل سنت با صبغه‌های گوناگون اجتماعی، برای هدایت بشر به سرمنزل مقصود و رفع نیازها و پرسش‌های مسلمانان و پاسخ به شبهات به‌ویژه شبهات مطرح شده توسط شرق شناسان، تدوین و به رشته تحریر درآمد. (ایازی، ۱۳۷۸ ش، ص ۲۹)

و) ادغام مباحث فلسفی، عرفانی، کلامی و فقهی

هم‌چنین در سده معاصر، به علت ادغام مباحث فلسفی و عرفانی و کلامی و وجود مفسران متکلم، فیلسوف و عارف مانند ملاصدرا، علامه طباطبائی، علامه جوادی و حسن‌زاده

آملی، عرفان نظری از صوفی‌گری و عزلت‌نشینی، به روش سیر و سلوک عملی برای رسیدن به قرب و لقاءالله تبدیل گردید (رودگر، ۱۳۸۷، ش، ص ۱۱-۱۲) و در تفاسیر جامع در کنار توجه به مباحث لغت‌شناسی، اعراب و قواعد عربی، ضمن توجه به روایات تفسیری موثق، از مباحث فلسفی و عرفانی نیز بهره‌برداری گردید.

نحوه تعامل مفسران

بهتر است نحوه تعامل مفسران باهم و چگونگی نقد و تحلیل آرای یکدیگر مشخص گردد. نحوه تعامل دانشمندان مفسر به دو گونه کلی است:

الف) تعامل بدون نقد و تحلیل

این نمونه تعامل معمولاً در مفسران متقدم دیده می‌شود. این مفسران، به ذکر آرای دیگران درباره نحوه شهادت بدون نقد و تحلیل می‌پردازند؛ مانند ابوالفتوح رازی در *روض الجنان*، طبرسی در *مجمع‌البیان* یا طبری در *جامع‌البیان*.

ب) تعامل همراه با نقد و تحلیل

این گونه تعامل معمولاً در مفسران متأخر و معاصر دیده می‌شود؛ یعنی در تفاسیر معاصر، آرای دیگر مفسران، تحلیل و بررسی، و تأیید یا ابطال می‌گردد و در آخر دیدگاه مختار نویسنده، شرح و تبیین می‌شود؛ مثلاً مفسران متأخر و معاصر در آیه شهدالله، ابتدا دیدگاه گذشتگان را آورده، سپس به نقد و تحلیل می‌پردازند و ضمن بیان انواع شهادت از قولی، فعلی و عینی، دیدگاه منتخب و برگزیده خود را بیان می‌نمایند. این شیوه تفسیری در آثار متأخر و معاصر مانند *روح‌البیان* آلوسی، *المیزان طباطبایی* و *تفسیر تسنیم* جوادی آملی بیش‌تر دیده می‌شود.

کارکردها

کارکردهای این آیه شریفه را در چند دسته می‌توان بررسی کرد:

۱. کارکرد استنادی

در سده‌های متقدم، تفسیر دارای کارکردهای استنادی بود؛ یعنی متکلمان و فقها، برای

اثبات عقاید مذهب خویش یا استخراج و اثبات احکام و فتوای مورد نیاز، به آیات قرآن استناد می‌کردند. تاریخ تفسیر، شاهد دعاوی و بحث‌های کلامی و جدلی درباره اثبات عقاید یا فتاوا، با استناد به آیات قرآن، در بین دانشمندان مسلمان بوده است. هم‌چنین از همان قرن اول تا کنون، علاقه خاص مسلمانان به شنیدن تفسیر کتاب خدا، برای کسب آگاهی و معرفت و پی بردن به قصص و داستان‌های قرآنی درباره گذشتگان، باعث رجوع آن‌ها به کتب تفسیری یا شنیدن مطالب از شارحان و واعظان گردیده است. این امر باعث شکل‌گیری گروهی خاص به نام "قصاص" در جامعه اسلامی از همان قرن اول هجری گردید که امروزه جای خود را به واعظان و سخنرانان مذهبی داده است (پاکتچی، ۱۳۹۲، ش، ص ۱۱۱). مثلاً در مورد همین آیه شهادت، علاقه مسلمانان به ویژه دانشمندان آن‌ها به شنیدن اقوال مختلف از صحابه تا امامان معصوم (ع) درباره نحوه شهادت ذات باری تعالی و نیز تعیین مصداق اولوالعلم، باعث رجوع آن‌ها به کتب تفسیری یا شنیدن از مبلغان شده است. البته در طول تاریخ اسلام، علاقه خاص عموم مردم به شنیدن وعظ، باعث به وجود آمدن تفاسیر اخلاقی و واعظانه از آیات قرآن شده است.

از نمونه‌های استنادی دیگر در مورد این آیه می‌توان به مطرح شدن مباحث «وحدت وجود» در تفاسیر عرفانی اشاره نمود. دقت در سخنان ابن عربی، نشان می‌دهد در مباحث وحدت وجود، چون «اعلا درجه وجود»، تنها درجه وجود است و آن ذات اقدس الهی است، لذا خدای سبحان از طریق وجود، شهادت ذاتی به وحدانیت خود می‌دهد؛ یعنی چون خدای تعالی اعلا درجه وجود است، یک وجود بیش‌تر نمی‌تواند باشد، لذا شهادت ذاتی است. (ابن عربی، ۱۴۲۲، ق، ج ۱، ص ۹۹)

۲. کارکرد کلامی

با به وجود آمدن اختلاف و دعاوی مذهبی بین شیعه و سنی از قرن چهارم، تفاسیر به شکل اجتهادی و کلامی درآمد تا جواب‌گوی طرف‌داران هر گروه و اثبات و دفاع عقاید آنان باشد؛ مانند تفسیر تبیان شیخ طوسی یا مفاتیح الغیب فخر رازی یا کشف زمخشری. مثلاً فخر رازی در شرح همین آیه از مباحث کلامی شامل دلایل قرآنی، نقلی و برهانی استفاده

می‌کند که شهادت خداوند در آیه حقیقی است و خلقت دقیق نظام هستی، یگانگی حق تعالی را نشان می‌دهد. سپس ایشان در توضیح عبارت «قائماً بالقسط»، به نظریه معتزله به‌ویژه زمخشری در باب عدل الهی و جبر و اختیار می‌پردازد و آن را رد می‌کند. (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۷، ص ۱۶۸-۱۷۲)

۳. کارکرد اجتماعی و تربیتی

در سده‌های اخیر، با گسترش نهضت بیداری و بازگشت به قرآن، نقش تفسیر به شکل کاربردی برای پاسخ‌گویی به نیازهای مسلمانان به‌ویژه نیازهای اجتماعی و تربیتی مطرح شده است؛ مثلاً در مورد همین آیه با ادغام مباحث فلسفی و عرفانی، سخن از شهادت شهودی به میان می‌آید که در پی آن، چهره‌ای کاربردی از سیر و سلوک و عرفان اسلامی برای مسلمانان تشریح می‌شود که موجب توجه بیش‌تر به نقش هدایتی قرآن در تربیت اخلاقی انسان می‌گردد (جوادی آملی، ۱۳۸۷ ش، ج ۱۳، ص ۳۹۰-۳۹۳). به قول یکی از مفسران، معارف آیه از جهت شکل ظاهری مانند مثلثی است که ضلع اول و آخرش، توحید و شهادت حق تعالی و ضلع میانی، شهادت ملائکه و صاحبان دانش قرار دارد؛ با این تفاوت که ضلع اول مصرح به‌عنوان شهادت و ضلع سوم بی‌کلمه شهادت است (همان، ص ۴۱۶)؛ یا به قول مفسر دیگر، تهلیل و شهادت در آخر آیه، به‌عنوان جمع‌بندی نهایی مطرح است (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۷، ص ۲۲۳)؛ یعنی اکنون که همگان به یگانگی خداوند شهادت می‌دهند، ما مخاطبان قرآن نیز باید به این ندای ملکوتی «لا اله الا هو»، جامه عمل بپوشانیم؛ بنابراین می‌توان تکرار کلمه «تهلیل» را برای تعلیم و تربیت عموم مخاطبان دانست (جوادی آملی، همان، ج ۱۳، ص ۴۱۸)، یعنی ما مسلمانان باید با قول و عمل، وحدانیت و یگانگی حق تعالی را در سرشت خود، نهادینه کنیم و به فعل درآوریم.

۴. کارکرد آموزشی و هدایتی

از فواید دیگر نهفته در آیه کریمه، دعوت همگان مخصوصاً مسلمانان به کسب علم است؛ چراکه خداوند، صاحبان علم را هم‌ردیف ملائکه قرار داده و آن‌گاه به فاعل شهادت که خود است عطف نموده؛ یعنی دارندگان علم و معرفت حقیقی، آن‌چنان مقامشان بالا می‌رود که

شهادت آنان، هم‌ردیف شهادت ملائکه و حق تعالی قرار می‌گیرد. برخی مفسران به این نکته توجه داشته، می‌نویسند: «نکته دیگر در این آیه، دانشمندان واقعی در کنار فرشتگان و هر دو در کنار خدا قرار گرفته‌اند که این امتیاز و عظمت دانشوران را مشخص می‌سازد» (رضایی، ۱۳۸۷ ش، ج ۳، ص ۵۷). دعوت به کسب علم در اسلام آن‌چنان کانون اهمیت و تأکید قرار دارد که خداوند در آیه دیگری می‌فرماید: «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» (فاطر: ۲۸). هم‌چنین روایات فراوانی در این زمینه وجود دارد به طوری که باب "فضل العلم" یا باب "ثواب العالم والمتعلم" و... در برخی از کتب حدیثی مهم فریقین (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۳۰؛ نسایی، ۱۴۱۱ ق، ج ۳، ص ۴۲۵) دیده می‌شود که نشان از اهمیت کسب دانش در اسلام دارد.

نتایج

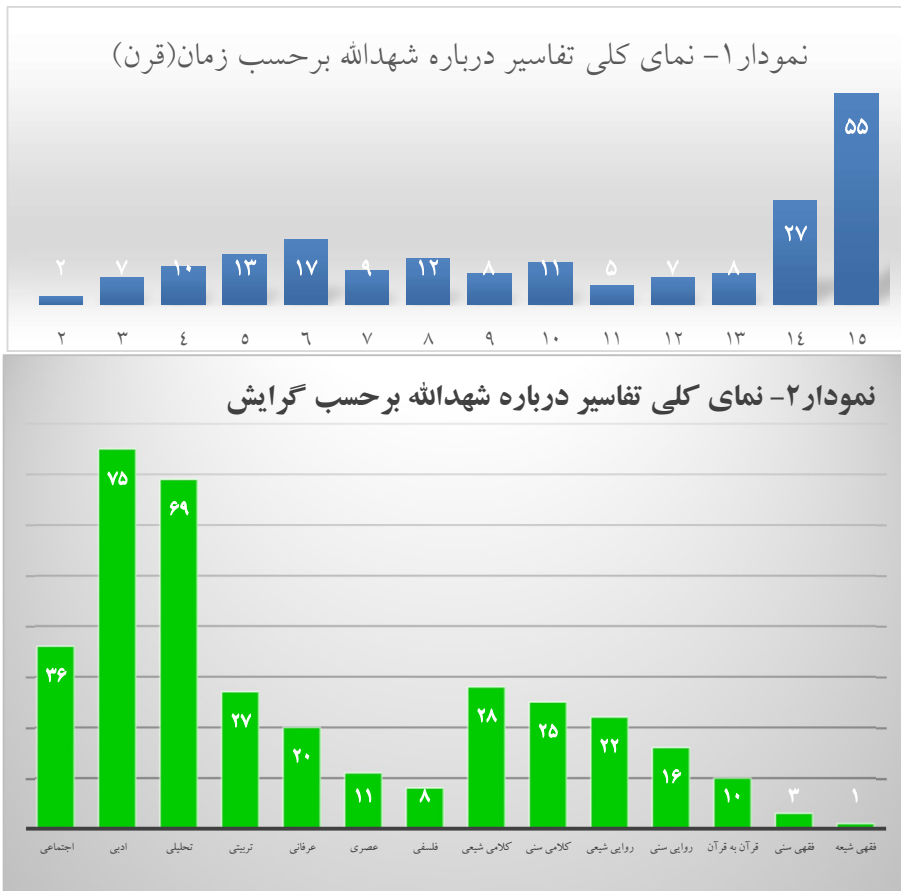
از تحلیل و جمع‌بندی آراء مفسران درباره آیه «شهدالله» نتایج ذیل به دست می‌آید:

۱. تطور دیدگاه‌ها درباره نحوه شهادت در این آیه شریفه از سده‌های نخست تاکنون، به سه صورت بیان شده است: شهادت قولی، شهادت فعلی و شهادت ذاتی؛
۲. چون هر سه نوع دیدگاه در طول هم هستند، بنابراین هر سه نوع شهادت قولی، فعلی، عینی در این آیه می‌تواند صحیح باشد.
۳. بیش‌تر مفسران فریقین به‌ویژه از سده چهارم و پنجم تا معاصر، به علت استفاده از عقل در استنباط مفاهیم (روش اجتهادی)، شهادت در این آیه کریمه را شهادت فعلی دانسته، معتقدند که مقصود از گواهی و شهادت خدا، همان گواهی عملی و فعلی خداست؛ یعنی خدا با آفرینش جهان عملاً نشان داده که آفریدگار و معبود دیگری در جهان نیست.
۴. دلیل نحوه توزیع آراء تفسیری، می‌تواند ملاک قابل‌درک بودن برای ذهن بشر باشد؛ چراکه در بین این سه دیدگاه، شهادت فعلی، بیش‌ترین درک‌پذیری را برای ذهن انسان از جمله مفسران و مخاطبان آن دارا است.
۵. عوامل مؤثر بر بروز آراء تفسیری عبارتند از: گرایش و تمایلات تفسیری، گفتمان غالب هر عصر، شیوع جدال بین مفسران فریقین، حمله مغول و ایلخانان، نقدهای شرق‌شناسان و نهضت بیداری اسلامی، و ادغام مباحث فلسفی و عرفانی.

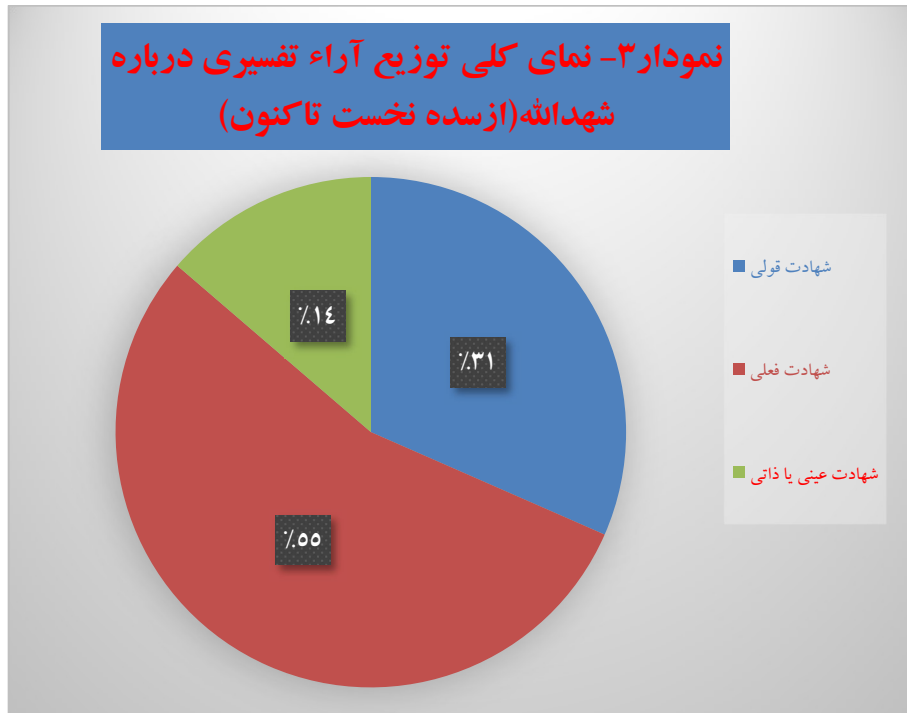
۶. از آثار و کارکردهای این آیه می‌توان به کارکردهای استنادی، کلامی، اجتماعی و تربیتی، آموزشی و هدایتی اشاره نمود.

و) نمودارها

برای روشن‌تر شدن مفاهیم از نمودار استفاده می‌شود:^۱



^۱ برگرفته از نرم‌افزار جامع التفاسیر القرآن و سایت پایگاه جامع قرآن quran.inoor.ir



ز) تحلیل و برداشت‌ها از نمودارها

۱. بیش‌ترین آراء و دیدگاه مفسران درباره مفهوم «شهادت‌الله»، بر شهادت فعلی تعلق داشته، آن‌گاه شهادت قولی و سپس شهادت ذاتی یا عینی قرار دارد.
۲. دلیل نحوه توزیع آراء تفسیری می‌تواند ملاک قابل درک بودن برای ذهن بشر باشد؛ چراکه در بین این سه دیدگاه، شهادت فعلی، بیش‌ترین درک پذیری را برای ذهن انسان از جمله مفسران و مخاطبان آن داراست.
۳. شهادت ذاتی یا عینی چون بیش‌تر توسط مفسران فیلسوف یا عارف مطرح شده و موضوعات فلسفی و عرفانی پیچیدگی خاص خود را دارد، لذا در بین مفسران نیز تعداد کم‌تری به آن گرایش دارند.
۴. شهادت قولی، حد میانه را در فراوانی آراء به خود اختصاص داده، چون با ذهن مفسر قابلیت درک پذیری دارد و مطالعه کنونی نیز نشان می‌دهد که بیش‌تر آراء روایی و مأثور، به شهادت قولی تعلق دارند.

منابع

- آقابزرگ تهرانی، محمد محسن (۱۴۰۳ ق)، الذریعه الی تصانیف الشیعه، قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- آل غازی، عبدالقادر (۱۳۸۲ ق)، بیان المعانی (تفسیر قرآن العظیم)، دمشق: مطبعة الترقی.
- ابن ابی حاتم، عبدالرحمان بن محمد (۱۴۱۹ ق)، تفسیر القرآن العظیم، عربستان: مکتبه نزار مصطفی البارز.
- ابن ادريس حلی، محمد بن احمد (بی تا)، المنتخب من تفسیر القرآن و...، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- ابن جزى غرناطی، محمد بن احمد (۱۴۱۶ ق)، التسهیل لعلوم التنزیل، بیروت: دارالارقم بن الارقم.
- ابن جوزی، عبدالرحمان بن علی (۱۴۲۲ ق)، زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت: دارالکتاب العربی.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۴۱۰ ق)، متشابه القرآن و مختلفه، قم: انتشارات بیدار.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر (بی تا)، التحریر و التئور، بیروت: موسسه تاریخ عربی.
- ابن عجبیه، احمد بن محمد (۱۴۱۹ ق)، البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید، قاهره: دکتر حسن عباس زکی.
- ابن عربی، محیی الدین محمد (۱۴۲۲ ق)، تفسیر ابن عربی، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- ابن عربی، محمد بن علی (۱۴۱۰ ق)، رحمه من الرحمن فی تفسیر و اشارات القرآن، بی جا.
- ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غائب (۱۴۲۲ ق)، المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ ق)، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن قیم جوزیه، محمد بن ابی بکر (۱۴۱۰ ق)، تفسیر القرآن الکریم، بیروت: دار و مکتبه الهلال.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل (۱۴۱۹ ق)، تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، بیروت: دارالصادر.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ ق)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد: آستان قدس رضوی.
- ابوالیمین علیمی، عبدالرحمان (بی تا)، فتح الرحمن فی تفسیر القرآن، کویت: دارالنواد.
- ابوالسعود، محمد بن محمد (۲۰۰۹ م)، تفسیر ابی السعود، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- ابوحیان اندلسی، محمد بن یوسف (۱۴۲۰ ق)، البحر المحیط فی التفسیر، بیروت: دارالفکر.
- ابوحیان اندلسی، محمد بن یوسف (۱۴۰۷ ق)، النهر الماد من البحر المحیط، بیروت: دارالجنان.
- ابوعبیده، معمر بن مثنی (۱۳۸۱ ق)، مجاز القرآن، قاهره: مکتبه الخانجی.
- ابی الحسن نیشابوری، محمود (بی تا)، ایجاز البیان عن معانی القرآن، بیروت: دارالغرب اسلامی.
- ارمی علوی، محمدامین (بی تا)، تفسیر حدائق الروح و الریحان فی روابی علوم القرآنی، بیروت: دارطرق النجاه.
- امین اصفهانی، سیده نصرت (۱۳۶۱ ش)، مخزن العرفان در تفسیر القرآن، تهران: نهضت زنان مسلمان.
- امین، سید محسن (۱۴۰۳ ق)، اعیان الشیعه، بیروت: دارالتعارف.

- انصاری، زکریا ابن محمد (۱۴۰۳ ق)، فتح الرحمن شرح ما یلتبس من القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ایازی، سید محمدعلی (۱۳۷۹ ش)، سیر تطور تفاسیر شیعه، تهران: موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران.
- ایازی، سید محمدعلی (۱۳۷۸ ش)، قرآن و تفسیر عصری، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۶ ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت.
- بقاعی، ابراهیم بن عمر (۱۴۲۷ ق)، نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- بلاغی، محمدجواد (۱۴۲۰ ق)، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم: بنیاد بعثت.
- بلخی، مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ ق)، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- بیانی، شیرین (۱۳۷۹ ش)، مغولان و حکومت ایلخانی در ایران، تهران: انتشارات سمت.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ ق)، انوارالتزیل و اسرار التاویل (تفسیر بیضاوی)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- بغوی، حسین بن مسعود (۱۴۲۰ ق)، تفسیر بغوی (معالم التزیل)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- پارسا، فروغ (۱۳۹۲ ش)، تفاسیر شیعه و تحولات تاریخی ایران، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- پاکتچی، احمد (۱۳۹۲ ش)، تاریخ تفسیر قرآن، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- تستری، ابو محمد سهل بن عبدالله (۱۴۲۳ ق)، تفسیر تستری، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ثعالبی، عبدالرحمان بن محمد (۱۴۱۸ ق)، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲ ق)، الکاشف و البیان معروف به تفسیر الثعلبی، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- تثقی تهرانی، محمد (۱۳۹۸ ق)، تفسیر روان جاوید، تهران: انتشارات برهان.
- ثلابی، یوسف بن احمد (۱۴۲۳ ق)، تفسیر الثمرات البانعه و الاحکام الواضحه القاطعه، صعده یمن: مکتبه التراث الاسلامی.
- جرجانی، حسین بن حسن (۱۳۳۷ - ۱۳۴۱)، تفسیر گازر، چاپ جلال‌الدین محدث ارموی، تهران.
- جرجانی، عبدالقاهر (۱۴۳۰ ق)، درج الدرر فی تفسیر القرآن العظیم، عمان: دارالفکر.
- جزایری، ابوبکر جابر (۱۴۱۶ ق)، ایسر التفاسیر لکلام العلی الکبیر، مدینه منوره: مکتبه العلوم و الحکم.
- جعفری، یعقوب (۱۳۷۶ ش)، تفسیر کوثر، قم: انتشارات هجرت.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۹ ش)، از یورش مغول تا زوال ترکمانان، تهران: کانون اندیشه جوان.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷ ش)، تفسیر تسنیم، قم: مرکز نشر اسراء.
- حجازی، محمد محمود (۱۴۱۳ ق)، التفسیر الواضح، بیروت: دارالجلیل.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق)، وسایل الشیعه، قم: موسسه آل بیت (ع).
- حسینی شیرازی، سید محمد (بی تا)، تقریب القرآن الی الادهان، بی جا.
- حسینی همدانی، سید محمد (۱۴۰۴ ق)، انوار درخشان در تفسیر القرآن، تهران: کتاب‌فروشی لطفی.

- حقی بروسوی، اسماعیل (بی‌تا)، روح البیان، بیروت: دارالفکر.
- حموش قیسی، مکی بن ابی طالب (بی‌تا)، الهدایه الی بلوغ النهایه، شارجه امارات: جامعه الشارقه.
- حوی، سعید (۱۴۲۴ ق)، الاساس فی التفسیر، قاهره: دارالسلام.
- خازن، علی بن محمد (۱۴۱۵ ق)، تفسیر الخازن، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۶۴ ش)، تفسیر و تفاسیر جدید، تهران: انتشارات کیهان.
- ۶۰ خطیب، عبدالکریم (۱۴۲۴ ق)، التفسیر القرآنی للقرآن، بیروت: دارالفکر العربی.
- خطیب شریینی، محمد بن احمد (۲۰۱۲ م)، تفسیر الخطیب الشریینی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- دروزه، محمد عزه (۱۴۲۱ ق)، التفسیر الحدیث، بیروت: دارالغرب الاسلامی.
- دره، محمدعلی (۱۴۳۰ ق)، تفسیر القرآن الکریم و اعرابه و بیانه، بیروت: دار ابن کثیر.
- دینوری، عبدالله بن محمد (بی‌تا)، تفسیر ابن وهب، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ذهبی، محمدحسین (۱۳۹۶ ق)، التفسیر و المفسرون، (بی‌جا).
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق)، مفردات الفاظ القرآن، چاپ اول، بیروت.
- رشید رضا، محمد (۱۴۱۴ ق)، تفسیر القرآن الکریم (تفسیر المنار)، بیروت: دارالمعرفه.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی و جمعی از پژوهشگران (۱۳۸۷ ش)، تفسیر مهر، قم: دفتر پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
- رودگر، محمدجواد (۱۳۸۷ ش)، صحیفه عرفان (سلوک و سیاست)، دفتر دهم، قم: وثوق.
- زحیلی، وهبه (۱۴۱۸ ق)، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج، دمشق: دارالفکر.
- زمخشری، محمود (۱۴۰۷ ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دارالکتب العربی.
- زید بن علی بن حسین (۱۴۱۲ ق)، تفسیر الشهد زین بن علی، بیروت: الدارالعلمیه.
- زین، محمد فاروق (۱۴۲۵ ق)، بیان النظم فی القرآن، دمشق: دارالفکر.
- سبزواری، محمد (۱۴۱۹ ق)، ارشاد الأذهان الی تفسیر القرآن، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- سلمی، محمد بن حسین (۱۳۶۹ ش)، حقائق التفسیر (تفسیر سلمی)، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- سمین، احمد بن یوسف (۱۴۱۴ ق)، الدر المصون فی علوم الکتاب المکتون، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- سمعانی، منصور بن محمد (بی‌تا)، تفسیر السمعانی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۰۴ ق)، الدر المنثور فی تفسیر الماثور، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- سیواسی، احمد بن محمود (بی‌تا)، عیون التفاسیر للفضلاء السماسیر، بیروت: دارصادر.
- شحاته، عبدالله محمود (۱۴۲۱ ق)، تفسیر القرآن الکریم، قاهره: دارغریب.
- شعراوی، محمد متولی (بی‌تا)، تفسیر الشعراوی، بیروت: اخبار الیوم.
- شبر، سید عبدالله (۱۴۰۷ ق)، الجوهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین، کویت: مکتبه الافین.
- شریف لاهیجی، محمد بن علی (۱۳۷۳ ش)، تفسیر شریف لاهیجی، تهران: نشر داد.

- شمخی، مینا (۱۳۹۶ ش)، مبانی تفسیر قرآن و کتاب مقدس، اهواز: دانشگاه شهید چمران.
- شیبانی، محمد بن حسن (۱۳۷۷ ش)، نهج البیان عن کشف معانی القرآن، قم: نشر الهادی.
- شیخ‌زاده، محمد بن مصطفی (بی‌تا)، حاشیه محیی الدین شیخ‌زاده علی تفسیر القاضی البیضاوی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- شیخ علوان، نعمت‌الله بن محمد (بی‌تا)، الفواتح الالهیه و المفتاح الغیبیه، قاهره: دار رکابی للنشر.
- صابونی، محمد علی (۱۴۲۱ ق)، صفوه التفاسیر، بیروت: دارالفکر.
- صادقی تهرانی، محمد (۱۳۷۷ ش)، البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم: مکتبه محمد الصادقی.
- صاحب بن عباد، اسماعیل (۱۴۱۴ ق)، المحيط فی اللغة، بیروت، عالم الکتاب.
- صافی، محمود بن عبدالرحیم (۱۴۱۸ ق)، الجدول فی اعراب القرآن، بیروت: دارالرشید موسسه الایمان.
- صدرالدین شیرازی، محمد معروف به ملاصدرا (۱۳۸۹ ق)، اسفار اربعه، به اشراف علامه طباطبایی، قم: بی‌جا.
- صفی علیشاه، محمد حسن (۱۳۸۹ ق)، تفسیر صفی علیشاه، تهران: منوچهری.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷ ش)، جوامع الجامع، تهران: دانشگاه تهران.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲ ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفه.
- طنطاوی، سید محمد (۱۹۷۷ م)، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، قاهره: نهضه مصر.
- طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار الحیاء التراث العربی.
- طیب، عبدالحسین (۱۳۷۴ ش)، اطیب البیان فی التفسیر القرآن، تهران: انتشارات اسلام.
- طوفی، سلیمان بن عبدالقوی (۱۴۲۶ ق)، الاشارات الالهیه الی المباحث الاصولیه، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- عربی، محمد غازی (بی‌تا)، التفسیر الصوفی الفلسفی للقرآن الکریم، دمشق: دارالبشایر.
- عروسی حویزی، عبد علی جمعه (۱۴۱۵ ق)، تفسیر نور الثقلین، قم: اسماعیلیان.
- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ ق)، کتاب التفسیر (تفسیر عیاشی)، تهران: چاپخانه علمیه.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ ق)، مفاتیح الغیب، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- فراء، ابو زکریا یحیی بن زیاد (بی‌تا)، معانی القرآن، مصر: دارالمصریه للتالیف والترجمه.
- فرات کوفی، ابوالقاسم (۱۴۱۰ ق)، تفسیر فرات کوفی، تهران: انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ ق)، کتاب العین، قم، نشر هجرت.
- فضل‌الله، سید محمد حسین (۱۴۱۹ ق)، تفسیر من وحی القرآن، بیروت: دارالملاک للطباعه و النشر.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۵ ق)، القاموس المحيط، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ ق)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، قم: موسسه دار الهجرة.
- فیض کاشانی، ملا محسن (۱۴۱۵ ق)، تفسیر صافی، تهران: انتشارات صدر.

- قاسمی، جمال‌الدین (۱۴۱۸ ق)، تفسیر القاسمی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- قاشی، حیدر بن علی (۱۴۲۸ ق)، تفسیر القاشی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- قزاقی، محسن (۱۳۸۳ ش)، تفسیر نور، تهران: مرکز درس‌هایی از قرآن.
- قرشی، سید علی‌اکبر (۱۳۷۷ ش)، تفسیر احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت.
- قرطبی، محمد بن احمد (بی‌تا)، الجامع لاحکام القرآن، بیروت: دارالفکر.
- قشیری، عبدالکریم بن هوزان (بی‌تا)، لطائف الاشارات (تفسیر قشیری)، مصر: هیئة المصریة العامه للکتاب.
- قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا (۱۳۶۸ ش)، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
- کاشانی، ملافتح‌الله (۱۳۳۶ ش)، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران: کتاب‌فروشی محمدحسن علمی.
- کاشفی، حسین بن علی (بی‌تا)، تفسیر حسینی (مواهب علیه)، سراوان: کتاب‌فروشی نور.
- کرمی، محمد (۱۴۰۲ ق)، التفسیر لکتاب الله المنیر، قم: چاپخانه علمیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق)، الکافی، مصحح: علی‌اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- گنابادی، سلطان محمد (۱۴۰۸ ق)، بیان السعاده فی مقامات العباد، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ماتریدی، محمد بن محمد (۱۴۲۶ ق)، تأویلات اهل السنه، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ماوردی، علی بن محمد (بی‌تا)، النکت و العیون (تفسیر الماوردی)، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- مدرسی، سید محمدتقی (۱۴۱۹ ق)، من هدی القرآن، تهران: دار محبی‌الحسین.
- مراغی، احمد مصطفی (بی‌تا)، تفسیر المراغی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مصطفوی، حسن (بی‌تا)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- مظهری، محمد ثناء الله (۱۴۱۲ ق)، التفسیر المظهری، پاکستان: مکتبه رشیدیہ.
- معارف، مجید و شفیعی، سعید (۱۳۹۴ ش)، درآمدی بر مطالعات حدیثی در دوران معاصر، تهران: سمت.
- معرفت، محمدهادی (۱۳۸۸ ش)، تفسیر و مفسران، قم: تمهید.
- مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴ ق)، تفسیر کاشف، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ ش)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- موسوی سبزواری، عبدالاعلی (بی‌تا)، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، بیروت: موسسه اهل بیت.
- مہانمی، علی بن احمد (بی‌تا)، تفسیر القرآن المسمی تبصیر الرحمن و تیسیر المنان، بیروت: عالم‌الکتب.
- میبدی، رشیدالدین احمد (۱۳۷۱ ش)، کشف‌الاسرار و عده الابواب (تفسیر میبدی)، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- نریمانی، علی (بی‌تا)، تفسیر عرفانی اشراق، قم: بی‌نا.
- نسایی، احمد بن علی (۱۴۱۱ ق)، السنن الکبری، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- نسفی، عبدالله بن احمد (۱۴۱۹ ق)، تفسیر النسفی (مدارک التنزیل و حقائق التاویل)، بیروت: دارالکلم الطیب.
- نظام‌الاعرج، حسن بن محمد (۱۴۱۶ ق)، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- نقیسی، شادی (۱۳۷۹ ش)، عقل‌گرایی در تفاسیر قرن چهاردهم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

واحدی نیشابوری، علی بن احمد (۱۴۱۱ ق)، اسباب النزول القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیه.
واحدی، علی بن احمد (بی تا)، الوسیط فی تفسیر القرآن المجید، بیروت: دارالکتب العلمیه.
یوسفی غروی، محمود (۱۳۷۲ ش)، آیات الانوار فی فضائل النبی و آل الاطهار (ص)، قم: دار النشر اسلام.

References

- Aal Ghazi, A. Q. (1382 AH/2003). *Bayan al-ma'ani (Tafsir Quran al-'azim)*. Damascus: al-Taraqi. [In Arabic].
- Abil Hasan Neyshapuri, M. (n.d.). *Ijaz al-bayan 'an ma'ani al-Quran*. Beirut: Dar al-Gharb al-Islami. [In Arabic].
- Abu Abidah, M. (1381 AH/2002). *Majaz al-Quran*. Cairo: Maktabat al-Khanji. [In Arabic].
- Abu Hayyan Andalusi, M. (1407 AH/1987). *Al-Nahr al-maad min al-bahr al-muhit*. BBeirut: Dar al-Jinan. [In Arabic].
- Abu Hayyan Andalusi, M. (1420 AH/1999). *Al-Bahr al-muhit fi al-tafsir*. Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic].
- Abul Futuh Razi, H. (1408 AH/1988). *Rawd al-jinan war uh al-jinan fi tafsir al-Quran*. Mashhad: Astan Quds Razavi. [In Arabic].
- Abul Saood, M. (2009). *Tafsir Abi Saood*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic].
- Abul Yamin Alimi, A. R. (n.d.). *Fath al-rahman fi tafsir al-Quran*. Kuwait: Dar al-Nawadir. [In Arabic].
- Aghabozorgh Tehrani, M. (1403 AH/1983). *Al-Dhari'ah ila tasaneef al-Shi'a*. Qom: Ismailian Printing institute. [In Arabic].
- Ali, Z. (1412 AH/1992). *Tafsir al-Shahid Zayn b. 'Ali*. Beirut: Dar al-Ilmiyyah. [In Arabic].
- Alusi, M. (1415 AH/1995). *Ruh al-ma'ani fi tafsir al-Quran al-'azim*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. [In Arabic].
- Alwan, N. (n.d.). *Al-Fawatih al-ilahiyyah wa al-miftah al-ghaybah*. Cairo: Dar Rikabi li-l Nashr. [In Arabic].
- Amin Isfahani, N. (1361 SH/1982). *Makhzan al-irfan fi tafsir al-Quran*. Tehran: Nehdat-i Zanan-i Musalman. [In Arabic].
- Amin, M. (1403 AH/1983). *A'yan al-Sh'ia*. Beirut: Dar al-Taaruf. [In Arabic].
- Ansari, Z. (1403 AH/1983). *Fath al-rahman sharh ma yalabis min al-Quran*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. [In Arabic].
- Araabi, M. G. (n.d.). *Al-Tafsir al-Sufi al-falsafi li-l Quran al-karim*. Damascus: Dar al-Bashair. [In Arabic].
- Arusi Huwayzi, A. A. J. (1415 AH). *Tafsir Nur al-Thaqalyn*. Qom: Ismailian. [In Arabic].
- Ayazi, M. A. (1378 SH/1999). *Quran wa tafsir-i 'asri*. Tehran: Daftar-i Nashr-i Farhang-i Islami. [In Arabic].
- Ayazi, M. A. (1379 SH/2000). *Seyr-i tatawwori-yi tafasir-i Shi'a*. Tehran: Muassasa-yo Namayeshgah-ha-yi Farhangi-yi Iran. [In Persian].
- Ayyashi, M. (1380 AH/2001). *Kitab al-tafsir (Tafsir 'Ayyashi)*. Tehran: Chapkhane-yi Ilmiyyah. [In Arabic].

- Baghqi, H. (1420 AH/1999). *Tafsir Baghwi (Ma'alim al-tanzil)*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic].
- Bahrani, H. (1416 AH/1996). *Al-Burhan fi tafsir al-Quran*. Tehran: Bethat Foundation. [In Arabic].
- Balaghi, M. J. (1420 AH/1999). *Aalaa' al-rahman fi tafsir al-Quran*. Qom: Bethat Foundation. [In Arabic].
- Balkhi, M. (1423 AH/2002). *Tafsir Maqatil b. Sulayman*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic].
- Baqaic, I. (1427 AH/2006). *Nazm al-durar fi tanasub al-ayaat wa al-suwar*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. [In Arabic].
- Bayani, S. (1379 SH/2000). *Moghulan va hukumat-i Ilkhani dar Iran*. Tehran: Samt Publications. [In Persian].
- Beydawi, A. (1418 AH/1997). *Anwar al-tanzil wa asrar al-ta'wil (Tafsir Beydawi)*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic].
- Darre, M. A. (1430 AH/2009). *Tafsir al-Quran al-karim wa i'rabuhu wa bayanuh*. Beirut: Dar Ibn Kathir. [In Arabic].
- Deynuri, A. (n.d.). *Tafsir Ibn Wahab*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. [In Arabic].
- Dhababi, M. H. (1396 AH/2017). *Al-Tafsir wa al-mufasssiroon*. N.P. [In Arabic].
- Duruze, M. I. (1421 AH/2000). *Al-Tafsir al-hadith*. Beirut: Dar al-Gharb al-Islami. [In Arabic].
- Fadlullah, M. H. (1419 AH/1998). *Tafsir Min wahy al-Quran*. Beirut: Dar al-Malaak li-l Tabaah wa al-Nashr. [In Arabic].
- Fakhr Razi, M. (1420 AH/1999). *Mafatih al-ghayb*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic].
- Farahidi, K. (1409 AH/1989). *Kitab al-'Ain*. Qom: Hejrat Publication. [In Arabic].
- Farra, Y. (n.d.). *Ma'ani al-Quran*. Egypt: Dar al-Misriyyah li-l Talif wa al-Tarjumah. [In Arabic].
- Fayd Kashani, M. (1415 AH/1995). *Tafsir Safi*. Tehran: Sadr Publications. [In Arabic].
- Fayumi, A. (1414 AH). *Al-Misbah al-munir fi gharib al-sharh al-kabir li-l Rafe'ii*. Qom: Muassasa-yi Dar al-Hejrat. [In Arabic].
- Firozabadi, M. (1415 AH/1995). *Al-Qamus al-muhit*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. [In Arabic].
- Furat Kufi, A. Q. (1410 AH/1990). *Tafsir Furat Kufi*. Tehran: Ministry of Islamic Guidance Publications. [In Arabic].
- Gunabadi, S. M. (1408 AH/1988). *Bayan al-sa'adah fi maqamat al-'ibadah*. Beirut: Muassasat al-Aalami li-l Matbuaat. [In Arabic].
- Hamush Qaysi, M. (n.d.). *Al-Hidayat ila bulugh al-nihayah*. Sharjah, UAE: University of Sharjah. [In Arabic].
- Haqqi Brusavi, I. (n.d.). *Ruh al-bayan*. Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic].
- Hejazi, M. M. (1413 AH/1993). *Al-Tafsir al-Wadih*. Beirut: Dar al-Jalil. [In Arabic].
- Hoseini Hamedani, M. (1404 AH/1984). *Anwar-i Derakhshan dar tafsir al-Quran*. Tehran: Lotfi Bookshop. [In Persian].
- Hoseini Shirazi, M. (n.d.). *Taqrib al-Quran ila al-adh-han*. N.P. [In Arabic].
- Huawy, S. (1424 AH/2003). *Al-Asas fi al-tafsir*. Cairo: Dar al-Salam. [In Arabic].
- Hurr Ameli, M. (1409 AH/1989). *Wasa'il al-Shi'a*. Qom: Muassasa-yi Aal al-Bayt (as). [In Arabic].

- Ibad, I. (1414 AH/1994). *Al-Muhit fi al-lughah*. Beirut: Aalam al-Kitab. [In Arabic].
- Ibn Abi Hatam, A. R. (1419 AH/1998). *Tafsir al-Quran al-‘azim*. Saudi Arabia: Maktabat Nazar Mustafa al-Bariz. [In Arabic].
- Ibn Ajibah, A. (1419 AH/1998). *Al-Bahr al-madeed fi tafsir al-Quran al-majid*. Cairo: Dr. Hasan Abbas Zaki. [In Arabic].
- Ibn Arabi, M. (1410 AH/1990). *Rahmat min al-Rahman fi tafsir wa isharat al-Quran*. N.P. [In Arabic].
- Ibn Arabi, M. D. (1422 AH/2001). *Tafsir Ibn ‘Arabi*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic].
- Ibn Ashour, M. (n.d.). *Al-Tahrir wa al-tamweer*. Beirut: Muassasat Tarikh Arabi. [In Arabic].
- Ibn Atiyyah Andalusī, A. H. (1422 AH/2001). *Al-Muharrar al-wajiz fi tafsir al-kitab al-‘aziz*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. [In Arabic].
- Ibn Faris, A. (1404 AH/1984). *Mu‘jam maqayees al-lughah*. Qom: Maktab al-Alaam al-Islami. [In Arabic].
- Ibn Idris Hilli, M. (n.d.). *Al-Muntakhab min tafsir al-Quran wa...* Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library. [In Arabic].
- Ibn Jazi Gharnati, M. (1416 AH/1996). *Al-Tas-hil li ‘ulum al-tanzil*. Beirut: Dar al-Arqam b. Arqam. [In Arabic].
- Ibn Jowzi, A. R. (1422 AH/2001). *Zad al-masir fi ‘ilm al-tafsir*. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi. [In Arabic].
- Ibn Kathir Damishqi, I. (1419 AH/1998). *Tafsir al-Quran al-‘azim*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. [In Arabic].
- Ibn Manzour, M. (1414 AH/1994). *Lisan al-‘Arab*. Beirut: Dar al-Sadir. [In Arabic].
- Ibn Qayyim Jowziyyah, M. (1410 AH/1990). *Tafsir al-Quran al-karim*. Beirut: Dar wa Maktabat al-Hilal. [In Arabic].
- Ibn Shahr Ashoub Mazandarani, M. (1410 AH/1990). *Mutashabah al-Quran wa mukhtalifah*. Qom: Bidar Publications. [In Arabic].
- Irami Alawi, M. A. (n.d.). *Tafsir Hada‘iq al-ruh wa al-reyhan fi rawabi ‘ulum al-Qurani*. Beirut: Dar Turuq al-Najat. [In Arabic].
- Jafari, Y. (1376 SH/1998). *Tafsir Kawthar*. Qom: Hejrat Publications. [In Persian].
- Jafarian, R. (1389 SH/2010). *Az yuresh-i Moghal ta zawal-i Turkemanan*. Tehran: Kanun-i Andishe-yi Javan. [In Persian].
- Javadi Amoli, A. (1387 SH/2008). *Tafsir-i Tasnim*. Qom: Isra Publication Center. [In Persian].
- Jaziri, A. B. J. (1416 AH/1996). *Aysar al-tafasir li kalam al-‘Ali al-kabir*. Madina: Maktabat al-Ulum wa al-Hukm. [In Arabic].
- Jorjani, A. Q. (1430 AH/2009). *Darj al-durar fi tafsir al-Quran al-‘azim*. Oman: Dar al-Fikr. [In Arabic].
- Jorjani, H. (1337. 1341 SH/1962). *Tafsir Gazir*. Tehran: Jalal al-Din Muhaddeth Armavi. [In Arabic].
- Karami, M. (1402 AH/1982). *Al-Tafsir li kitabillah al-munir*. Qom: Ilmiyyah. [In Arabic].
- Kashani, M. F. (1336 SH/1957). *Minhaj al-sadiqeen fi ilzam al-mukhalifin*. Tehran: Muhammad Hasan Ilmi Bookshop. [In Arabic].
- Kashefi, H. (n.d.). *Tafsir Husayni (mawahib ‘alayh)*. Saravan: Nur Bookshop. [In Arabic].

- Khatib Sharbini, M. (2012). *Tafsir al-Khatib al-Sharbini*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. [In Arabic].
- Khatib, A. K. (1424 AH/2003). *Al-Tafsir al-Qurani li-l Quran*. Beirut: Dar al-Fikr al-Arabi. [In Arabic].
- Khazin, A. (1415 AH/1995). *Tafsir al-Khazin*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. [In Arabic].
- Khorramshahi, B. D. (1364 SH/1985). *Tafsir va tafasir-i jadid*. Tehran: Keyhan Publications. [In Arabic].
- Kulayni, M. (1407 AH/1987). *Al-Kafi*. (A. A. Ghaffari, Ed.). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Arabic].
- Maaref, M., & Shafei, S. (1394 SH/2015). *Dar amadi ba mutaleat-i hadithi dar doran-i muaser*. Tehran: Samt. [In Persian].
- Mabidi, R. D. (1371 SH/1993). *Kashf al-asrar wa 'iddat al-abrar (Tafsir Mabidi)*. Tehran: Amir Kabir Publications. [In Arabic].
- Mahaimi, A. (n.d.). *Tafsir al-Quran al-musamma Tabsir al-Rahman wa tayseer al-mannan*. Beirut: Aalam al-Kutub. [In Arabic].
- Maraghi, A. M. (n.d.). *Tafsir al-Maraghi*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic].
- Marefat, M. H. (1388 SH/1999). *Tafsir va mufasssiran*. Qom: Tamheed. [In Arabic].
- Maturidi, M. (1426 AH/2005). *Ta'wilat Ahl al-Sunnah*. Beirut: Dar al-Kutub al-ilmiiyyah. [In Arabic].
- Mawardi, A. (n.d.). *Al-Nakt wa al-'uyun (Tafsir al-Mawardi)*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. [In Arabic].
- Mazhhari, M. T. (1412 AH/1992). *Al-Tafsir al-Mazhhari*. Pakistan: Maktabat Rashidiyyah. [In Arabic].
- Mkarem Shirazi, N. (1374 SH/1996). *Tafsir-i Namunah*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Persian].
- Modarresi, M. T. (1419 AH/1998). *Min huda al-Quran*. Tehran: Dar Muhibbi al-Husayn. [In Arabic].
- Moghniyah, M. J. (1424 AH/2003). *Tafsir-i Kashif*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Arabic].
- Musavi Sabzvvari, A. A. (n.d.). *Mawahib al-Rahman fi tafsir al-Quran*. Beirut: Muassasat Ahlbayt. [In Arabic].
- Mustafawi, H. (n.d.). *Al-Tahqiq fi kalimat al-Quran al-karim*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. [In Arabic].
- Nafisi, S. (1379 SH/2000). *'Aql gerayi dar tafasir-i qarn-i chahardahum*. Qom: Daftar-i Tablighat-i Islami. [In Arabic].
- Narimani, A. (n.d.). *Tafsir-i 'Irfani-yi Ishraq*. Qom: n.p. [In Arabic].
- Nasafi, A. (1419 AH/1998). *Tafsir al-Nasafi (Madarik al-tanzil wa haqa'iq al-ta'wil)*. Beirut: Dar al-Kalim al-Tayyib. [In Arabic].
- Nasaie, A. (1411 AH/1991). *Al-Sunan al-kubra*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. [In Arabic].
- Nizam al-Araj, H. (1416 AH/1996). *Tafsir Ghara'ib al-Quran wa ragha'ib al-Furqan*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. [In Arabic].
- Pakatchi, A. (1392 SH/2013). *Tarikh-i tafsir-i Quran*. Tehran: Imam Sadiq (as) University. [In Persian].

- Parsa, F. (1392 SH/2013). *Tafasir-i Shi'a va tahwwulat-i tarikhi-yi Iran*. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies. [In Persian].
- Qaraati, M. (1383 SH/2004). *Tafasir-i Nur*. Tehran: Markaz-i Dars-hayi az Quran. [In Persian].
- Qarashi, A. A. (1377 SH/1998). *Tafsir Ahsan al-hadith*. Tehran: Bethat Foundation. [In Persian].
- Qasemi, J. D. (1418 AH/1997). *Tafsir al-Qasemi*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. [In Arabic].
- Qashi, H. (1428 AH/2007). *Tafsir al-Qashi*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. [In Arabic].
- Qommi Mashhadi, M. (1368 SH/1990). *Tafsir Kanz al-daqa'iq wa bahr al-ghara'ib*. Tehran: Ministry of Islamic Guidance. [In Arabic].
- Qurtubi, M. (n.d.). *Al-Jami' li ahkam al-Quran*. Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic].
- Qushayri, A. K. (n.d.). *Lata'if al-isharat (Tafsir Qushayri)*. Egypt: al-Heiat al-Misriyyah al-Aammah li-l Kitab. [In Arabic].
- Ragheb Isfahani, H. (1412 AH/1992). *Mufradat al-faz al-Quran*, 1st ed. Beirut: n.p. [In Arabic].
- Rashid Reda, M. (1414 AH/1994). *Tafsir al-Quran al-karim (Tafsir al-Manar)*. Beirut: Dar al-Marefah. [In Arabic].
- Rezaie Isfahani, M. A. & Et. al. (1387 SH/2008). *Tafsir-i Mehr*. Qom: Daftar-i Pazhouhesh-hayi Tafsir wa Ulum-i Qurani. [In Persian].
- Rudgar, M. J. (1387 SH/2008). *Sahifa-yi 'irfan (suluk va siyasat)*, bk. 10. Qom: Wuthuq. [In Persian].
- Sabuni, M. A. (1421 AH/2000). *Safwat al-tafasir*. Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic].
- Sabzvvari, M. (1419 AH/1998). *Irshad al-azhan ila tafsir al-Quran*. Beirut: Dar al-Taaruf Printing. [In Arabic].
- Sadeqi tehrani, M. (1377 SH/1998). *Al-Balagh fi tafsir al-Quran bi-l Quran*. Qom: Maktabat Muhammad Sadeqi. [In Arabic].
- Sadrudin Shirazi, M. (Mulla Sadra). (1389 AH/2000). *Al-Asfar al-Arba'a*. Under the supervision of Allamah Tabatabaie. Qom: n.p. [In Arabic].
- Safi Alishah, M. H. (1389 AH/2000). *Tafsir 'Alishah*. Tehran: Manouchehri. [In Persian].
- Safi, M. (1418 AH/1997). *Al-Jadwal fi i'rab al-Quran*. Beirut: Dar al-Rasheed Muassasat al-Iman. [In Arabic].
- Salami, A. (1369 SH/1991). *Haqaiq al-tafsir (Tafsir Salami)*. Tehran: Markaz-i Nashr-i Daneshgahi. [In Arabic].
- Samani, M. (n.d.). *Tafsir al-Sam'ani*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. [In Arabic].
- Samin, A. (1414 AH/1994). *Al-Durr al-masun fi 'ulum al-kitab al-maknun*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. [In Arabic].
- Shamkhi, M. (1396 SH/2017). *Mabani-yi tafsir-i Quran va kitab-i Muqaddas*. Ahvaz: Shahid Chamran University. [In Arabic].
- Sharawi, M. M. (n.d.). *Tafsir al-Sha'rawi*. Beirut: Akhbar al-Yawm. [In Arabic].
- Sharif Lahiji, M. (1373 SH/1995). *Tafsir-i Sharif Lahiji*. Tehran: Daad Publication. [In Persian].
- Shaybani, M. (1377 SH/1998). *Nahj al-bayan 'an kashf ma'ani al-Quran*. Qom: al-Hadi Publication. [In Arabic].

- Shaykhzadeh, M. (n.d.). *Hashiyat Muhyiddin Shaykhzadeh 'ala tafsir al-Qadi al-Beydawi*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. [In Arabic].
- Shihatah, A. (1421 AH/2000). *Tafsir al-Quran al-karim*. Cairo: Dar Gharib. [In Arabic].
- Shubbar, A. (1407 AH/1987). *Al-Jawhar al-thamin fi tafsir al-kitab al-mubin*. Kuwait: Maktabat al-Afin. [In Arabic].
- Siwasi, A. (n.d.). *'Uyun al-tafasir li-l fudala' al-samasir*. Beirut: Dar Sadir. [In Arabic].
- Suyuti, J. D. (1404 AH/1984). *Al-Durr al-manthur fi tafsir al-ma'thur*. Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library. [In Arabic].
- Tabari, M. (1412 AH/1992). *Jami' al-bayan fi tafsir al-Quran*. Beirut: Dar al-Marefah. [In Arabic].
- Tabarsi, F. (1372 SH/1994). *Majma' al-bayan fi tafsir al-Quran*. Tehran: Naser Khosro. [In Arabic].
- Tabarsi, F. (1377 SH/1998). *Jawami' al-jami'*. Tehran: University of Tehran. [In Arabic].
- Tabatabaie, M. H. (1417 AH/1996). *Al-Mizan fi tafsir al-Quran*. Qom: Jamiat al-Modarresin-i Hawza-yi Ilmiyyah. [In Arabic].
- Tantawi, M. (1977). *Al-Tafsir al-Wasit li-l Quran al-karim*. Cairo: Nehdat Misr. [In Arabic].
- Tayyib, A. H. (1374 SH/1996). *Atyab al-bayan fi al-tafsir al-Quran*. Tehran: Islam Publications. [In Arabic].
- Thalabi, A. (1422 AH/2001). *Al-Kashif wa al-bayan ma'rouf bi Tafsir al-Tha'labi*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic].
- Thalabi, A. R. (1418 AH/1997). *Jawahir al-hisan fi tafsir al-Quran*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic].
- Thalaie, Y. (1423 AH/2002). *Tafsir al-Thamarat al-yani'ah wa al-ahkam al-wadihah al-qati'ah*. Saada, Yemen: Maktabat al-Turath al-Arabi. [In Arabic].
- Thaqafi Tehrani, M. (1398 SH/1999). *Tafsir-i Ravan-i Javid*. Tehran: Borhan Publications. [In Persian].
- Tufi, S. (1426 AH/2005). *Al-Isharat al-ilahiyyah ila al-mabahith al-usuliyyah*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. [In Arabic].
- Tusi, M. (n.d.). *Al-Tibyan fi tafsir al-Quran*. Beirut: Dar al-Haya al-Turath al-Arabi. [In Arabic].
- Tustari, A. M. S. (1423 AH/2002). *Tafsir Tustari*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. [In Arabic].
- Wahidi Neyshapuri, A. (1411 AH/1991). *Asbab al-nuzul al-Quran*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. [In Persian].
- Wahidi, A. (n.d.). *Al-Wasit fi tafsir al-Quran al-majid*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. [In Arabic].
- Yusefi Gharvi, M. (1372 SH/1994). *Aayaat al-anwar fi fada'il al-Nabi wa Aal al-Athar (s)*. Qom: Dar al-Nashr Islam. [In Arabic].
- Zamakhshari, M. (1407 AH/1987). *Al-Kashshaf 'an haqa'iq ghawamid al-tanzil*. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi. [In Arabic].
- Zayn, M. F. (1425 AH/2004). *Bayan al-nazm fi al-Quran*. Damascus: Dar al-Fikr. [In Arabic].
- Zuhaili, W. (1418 AH/1997). *Al-Tafsir al-munir fi al-'aqidah wa al-shari'ah wa al-minhaj*. Damascus: Dar al-Fikr. [In Arabic].